



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

صص: ۵۴-۱۱

تجربه زیسته نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران^۱روح‌اله نوری^۲ | حسن رنگریز^۳ | عتیق‌اله احمدی^۴

چکیده

گروه‌های مهاجرین افغان به عنوان بخشی از سرمایه انسانی و فکری این کشور که برخلاف نسل‌های پیشین تحصیلات پایین‌تری داشتند، اکنون در کشور ایران تمایل بسیاری برای ارتقاء جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود دارند. این نیروها که اکنون به عنوان گروه‌های انسانی تحصیل کرده به صورت موقت و یا دائم حضور دارند، اغلب در کشور ایران با موضوعات متعددی روبه‌رو هستند که پژوهش پیش‌رو به شناخت این عوامل پرداخت. پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی بود. روش جمع‌آوری اطلاعات، متکی بر جستجو در منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از ۵۱ نفر از مشارکت‌کنندگان انجام شد. انتخاب نمونه‌ها به دلیل عدم اطلاعات در دسترس به صورت هدفمند و رسیدن به اشباع نظری در پاسخ‌ها بود. تحلیل تم به عنوان ابزار اصلی تحلیل در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت و میدان مورد مطالعه نیز شهر تهران بود. مطابق با یافته‌های پژوهش مهم‌ترین موضوعات اجتماعی نیروهای تحصیل کرده افغان شامل: تبعیض و احساس نابرابری- تصویرسازی و ذهنیت‌های منفی- اجتماع‌پذیری فردی و احساس فاصله‌گذاری اجتماعی بودند. در موضوعات فرهنگی نیز مهم‌ترین موضوع فرهنگی‌پذیری دوگانه مهاجرین بوده است. همچنین در زمینه اقتصادی: مشکلات اقتصادی فردی- محدودیت‌های کسب شغل- موقعیت‌های شغلی نامطلوب- موضوعات حقوقی شغلی و ناپایداری شرایط اقتصادی اساسی‌ترین موضوعات و در موضوعات سیاسی نیز سلب آزادی‌های فردی- ضعف نظام قانونی- ضعف سیاست‌های خارجی و موضوعات حمایتی و خدماتی مهم‌ترین چالش‌ها بودند. در سوی دیگر ضعف آموزشی- مهارتی نیز به عنوان دیگر چالش‌ها به دست آمد. به عنوان نتیجه‌گیری، نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان چه در کشور ایران و چه در افغانستان؛ یکی از سرمایه‌های با ارزش بوده که استفاده از آن‌ها به عنوان عامل اصلی توسعه نیازمند رفع موضوعات سیاسی و مدیریتی است. **کلیدواژه‌ها:** توسعه، مهاجرت، نیروی انسانی تحصیل کرده، افغانستان.

۱- پژوهش پیش‌رو به عنوان بخشی از پایان‌نامه دانشجوی عتیق‌اله احمدی به راهنمایی نویسنده دوم و مشاور نویسنده اول بوده که در سال ۱۴۰۳ در دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی تهران دفاع شده است.

۲- نویسنده مسئول: دانشیار، گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

rmoori@khu.ac.ir

۳- دانشیار، گروه مدیریت کسب‌وکار، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت منابع انسانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

استناد: نوری، روح‌اله؛ رنگریز، حسن؛ احمدی، عتیق‌اله (۱۴۰۳). موضوعات تجربه زیسته نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران، (۴)، ۵۴-۱۱.

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

در جهان امروز نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین منابع رشد و توسعه کشورها بوده (حلقه سیمین، ۱۳۹۴) و توجه به نیروی انسانی و تلقی نمودن انسان به منزله عامل اصلی و هدف توسعه یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد توسعه به شمار می‌رود (شایسته، ۱۳۹۰: ۲). نیروی انسانی به دلیل نقشی که در توسعه سازمان‌ها دارد، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای آن امروزه تبدیل به یکی از اهداف مهم شده (Helavalada & Julius, 2017: 16; Walker, 1992) و بیشتر سازمان‌ها برای ارتقاء و پیشرفت، تمرکز خود را بر روی نیروی انسانی قرار داده‌اند. در این میان یکی از موضوعات اصلی، نیروی انسانی تحصیل کرده است. تجربه بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان داده که نیروی انسانی آموزش دیده، توان بالایی در ارتقا رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارند (Omolewa, 2010). نیروی انسانی تحصیل کرده یک عامل مهم در به حرکت در آوردن چرخ‌های توسعه برای هر کشوری شناخته می‌شود که توان و برنامه‌های هر کشوری در استفاده مناسب از این نیرو قرار دارد.

موضوع اصلی پژوهش بر محور نیروی انسانی تحصیل کرده افغان قرار دارد. در این زمینه همان‌طور که مشخص است، مهاجرت یکی از راه‌های انسان برای انطباق خود با شرایط زیست و تسلط بر دشواری‌های خود بوده است (میرزایی، ۱۳۹۶: ۴۹). مهاجرت اغلب یک اقدام جمعی است که از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی می‌شود و بر کل جوامع مبدا و مقصد تأثیر می‌گذارد (De Haas et al., 2019: 42). بنابر شرایط موجود در کشور افغانستان نیز، انتخاب گزینه مهاجرت تنها گزینه برای مهاجرین افغان پس از قرار گرفتن در شرایط نابسامان کشورشان بوده است. اما آنچه که قابل اهمیت است؛ مهاجرت همیشه با پیامدهای مثبت صرف همراه نبوده و با توجه به شرایط و موقعیت جامعه میزبان، می‌تواند شرایط منفی را برای مهاجرین ایجاد نماید. در موضوع مورد نظر نیز یکی از موانع و شرایط منفی (چه دانشجویان و چه افرادی که در کشور ایران خانواده دارند و در کشور ایران تحصیل کرده‌اند)، موضوعاتی است که نیروهای انسانی افغان پس از حضور در ایران و پس از تحصیل تجربه می‌نمایند. اما زمانی بررسی موضوع، برای محقق اهمیت پیدا کرد، که بسیاری از مهاجرین افغان در کشور ایران، دغدغه تحرک اجتماعی، جامعه‌پذیری،

کارآمدی مؤثر و استفاده از تخصص و مهارتشان حکایت می‌کرد. در واقع تجربه حضور محقق در میان آنان، گویای شرایط و عواملی است که مانع از به کارگیری و توجه به آن‌ها به عنوان افراد آموزش دیده و دارای تخصص در جامعه ایران بوده است. بنابراین مسئله اصلی پژوهش بر پایه شناخت موضوعات نیروی انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران است که ضرورت انجام چنین پژوهشی از دو جنبه قابل اهمیت است. نخست اینکه مطالعه تجربه زیسته دانشجویان و نیروهای تحصیل کرده افغانستانی به صورت متمرکز و جامع می‌تواند به فهم الگوهای رفتاری آنان در جهت انتخاب و تعیین سیاست‌های مناسب برای آن‌ها کمک نماید. دوم اینکه، انجام چنین پژوهشی به فهم ادبیات علمی در زمینه شناخته شدن نیروهای انسانی مهاجرین که غالباً از توانمندی‌های علمی بالایی نیز برخوردار هستند، کمک می‌نماید که این موضوع برای جامعه میزبان و کشور ایران می‌تواند به عنوان امکان و فرصتی برای رشد و توسعه به شمار رود. بنابراین مسئله مورد نظر در پژوهش، شناسایی و شناخت موضوعات نیروی تحصیل کرده افغان در کشور ایران، از جهت شناخت و برنامه‌ریزی برای رفع آن‌ها است. کنکاش و شناخت این موضوع، امکان و فرصتی را برای نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران فراهم می‌کند که می‌توانند علاوه بر تحرک اجتماعی خود، بتوانند پس از بازگشت به کشور خود نیز به عنوان نیروی انسانی مؤثر و کارآمد در جهت رشد و ارتقاء جایگاه کشور خود مفید باشند.

اما در کشور ایران و بنابر نظر سعیدی و فلاحی (۱۳۹۹)، نیروهای انسانی افغانی در گروه‌های متفاوتی قرار دارند، که این گروه‌ها در ۴ گروه دسته‌بندی می‌شوند:

۱. افغانستانی‌های متولد/بزرگ شده ایران که تجربه مستقیمی از کشور افغانستان نداشته و با هم‌تایان ایرانی جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند.
۲. افغانستانی‌هایی که متولد شده افغانستان ولی بزرگ شده کشور ایران هستند.
۳. افغانستانی‌هایی که بزرگ شده ایران، بازگشت به کشور افغانستان و سپس بازگشت به ایران برای ادامه تحصیلات تکمیلی هستند.
۴. افغانستانی‌هایی که به صورت مهاجرت مستقیم از افغانستان در کشور ایران حضور دارند.
۵. بنابراین بنابر تمرکز پژوهش بر نیروی انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران؛ گروه‌های افغانی هدف در پژوهش شامل آن دسته از افرادی هستند که متولد یا بزرگ شده کشور

ایران و دارای تحصیلات علمی هستند، می‌باشد. بنابراین در پژوهش بنابر هدف پژوهش و اینکه مقصود اصلی نیروهای تحصیل کرده افغان هستند، هر کدام از این گروه‌ها بنابر نمونه‌های در دسترسی مورد توجه قرار خواهند گرفت.

مبانی نظری پژوهش

در این بخش نخست برخی از مفاهیم کلیدی پژوهش تعریف می‌شوند و سپس به موضوعات نیروهای انسانی افغان در برخی از کشورها که به عنوان مقاصد اصلی مهاجرین افغان قرار دارد، پرداخته می‌شود.

- نیروی انسانی

داشتن منابع انسانی و مادی برای هر سازمان یا کشوری که بتواند به طور مؤثری عمل کند؛ بسیار مهم است. در بین این منابع، نیروی انسانی از همه مهمتر است، زیرا دیگر منابع بدون انسان قابل استفاده نیستند (Semako, 2019, p. 17). نیروی انسانی، به کل نیروی انسانی موجود یا مشغول به کار خاص اشاره دارد. همچنین به عنوان مهمترین دارایی مورد نیاز برای تولید کالاها و خدمات در نظر گرفته می‌شود که ابزار اصلی برای توسعه سریع ملی و ارائه خدمات مؤثر است. نیروی انسانی شامل زن و مردی می‌شود که کل نیروی کار یک ملت را تشکیل می‌دهند و اساس نهایی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند (بادپران، ۱۴۰۰: ۱۴). نیروی انسانی؛ ابزاری حیاتی برای دستیابی به هدف سازمانی یا ملی است. در این زمینه، دنسنزو و رابینز^۱ (۱۹۹۹)، اظهار می‌کنند که این افراد هستند، نه ساختمان‌ها، تجهیزات یا نام‌های تجاری که مؤسسات یا سازمان‌ها را می‌سازند (Decanzo & Robbins, 1999). یا اوانه^۲ (۲۰۰۰) معتقد است که نیروی انسانی یا منابع انسانی، در درون افراد وجود دارد و شامل توانایی‌های بالقوه یک فرد به عنوان دانش، مهارت، استعدادها، نگرش‌ها، ویژگی‌های جسمی و روانی مورد نیاز برای انجام کار است (Onah, 2000). توکونیمولونگو (۲۰۱۶)، بیان می‌کند که نیروی انسانی مقدمه تمام منابع دیگری است که در تولید استفاده می‌شود و بنابراین یک عامل ضروری در تبدیل منابع دیگر به سود بشر است

1. Decanzo & Robbins

2. Onah

(Tukunimulongo, 2016). جورج و جان (۲۰۰۴)، نیز نیروی انسانی را به عنوان نیرویی که به دست می‌آید، کارکردی می‌داند. دانش و مهارت‌هایی که افراد می‌توانند به دست آورند و برای دستیابی به بهره‌وری استفاده نمایند (George & Boudreau, 2004).

- برنامه‌ریزی نیروی انسانی

مفهوم برنامه‌ریزی نیروی انسانی اشکال مختلفی دارد و بالطبع تعاریف مختلفی نیز توسط نویسندگان برای آن وجود دارد. مفهوم برنامه‌ریزی نیروی انسانی از دو کلمه «نیروی انسانی» و «برنامه‌ریزی» تشکیل شده است. اوجو^۱ (۱۹۸۶) بیان می‌کند که سرمایه انسانی مترادف با نیروی انسانی است و به معنای بیش از جمعیت یا نیروی کار یا نیروی انسانی اطلاق می‌شود. این مفهوم بیشتر شامل: مهارت‌های مدیریتی، علمی، مهندسی، فنی، صنعتگر و غیره است که در ایجاد، طراحی، توسعه سازمان‌ها، مدیریت و راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی و سازمان‌های اقتصادی به کار می‌رود (Ojo et al., 1986). در حقیقت، نیروی انسانی که به عنوان سرمایه انسانی نیز شناخته می‌شود به انسان‌هایی اطلاق می‌شود که دارای مهارت‌ها و دانش‌هایی هستند تا به توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه ارزش بیفزایند. نیروی انسانی را نیز می‌توان مجموع مردان و زنان دانست که صلاحیت و مهارت لازم برای کار و ارزش افزوده به توسعه کشور را دارند (Jacob, 2020: 102). در مقابل برنامه‌ریزی نیز شامل تمام گام‌ها و مراحل رسیدن به اهداف مورد نظر است.

- نیروی انسانی تحصیل کرده

نیروی انسانی تحصیل کرده شامل آن دسته از نیروی انسانی که دارای مهارت و آموزش است، تعریف می‌گردد. این نیروی تحصیل کرده غالباً در برنامه‌ها و موضوعات توسعه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که به عنوان منابع انسانی نیز یاد می‌شود. اما نیروی انسانی تحصیل کرده شامل آن دسته از نیروی انسانی است که دارای توان علمی و مهارت‌های آموزشی است. این نیروی انسانی در ادبیات علمی و در مدل‌های رشد و توسعه، به عنوان یک عامل اصلی شناخته شده که توان هر کشوری توسط آن سنجیده می‌شود.

1. Ojo

- نقش آموزش و پرورش در توسعه نیروهای انسانی

تحصیلات بیانگر آن نوع آموزش رسمی است که در مؤسسات آموزشی و کارآموزی اتفاق می‌افتد و منجر به کسب مدرک تحصیلی رسمی می‌گردد (شفیعی، ۱۳۸۶)؛ یا به عبارت دیگر، تحصیلات اشاره به درجات علمی دارد که فرد به دست آورده است و کارکنان تحصیلکرده اشاره به افرادی دارد که دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی هستند که این مدرک و سطح تحصیلی لازمه ورود افراد به مشاغل بالاتر است (Trusty & Niles, 2004). در این میان، آموزش و پرورش یکی از عوامل اصلی برای رشد و توسعه است. حتی برخی عقیده دارند که تکامل این بخش است که موجب تکامل سایر بخش‌ها می‌گردد. در حقیقت، رشد و توسعه در هر کشوری، علاوه بر عوامل تولید (کار و سرمایه)، به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت فنی در تکنولوژی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، تخصیص مطلوب‌تر منابع و نهایتاً نیز به آموزش و پرورش بستگی دارد. بی‌شک، اجرای برنامه‌های توسعه نیز نیازمند، به کارگیری نیروی آموزش دیده و افراد متخصص و تحصیل کرده است و نیروهای آموزش دیده به وجود جوانان با استعداد و باتوان بستگی دارد و نقش آموزش و پرورش در این میان، کشف این استعدادها است. آموزش و پرورش ضمن بهره‌گیری مناسب از هوش و استعداد افراد انسانی زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می‌کند و البته روشن است که آموزش نیروهای متخصص ورزیده، نیاز به کادر آموزشی کارآمد دارد. نظام آموزشی هر کشوری می‌تواند با جذب اساتید و معلمان لایق و با کفایت، به امر آموزش، نیروی انسانی مورد نیاز برای توسعه هر کشوری بپردازد. بنابراین آموزش و پرورش باعث شکوفایی استعدادها و ارتقاء کیفیت نیروی انسانی می‌گردد و افزایش کیفیت نیروی انسانی موجب افزایش بهره‌وری و تسریع رشد و توسعه می‌شود (ره‌دارپور، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۶).

- مهاجرت نیروهای انسانی افغان

مهاجرت به عنوان یک پدیده جهان‌شمول در دنیای امروز به سرعت چه در داخل مرزهای یک کشور و چه در مرزهای بین‌المللی رایج است. این در حالی است که همواره مهاجرت جدا از دیدگاه‌ها و نظریاتی که نگاه خوش‌بینانه و یا گاه‌ب‌بدبینانه نسبت به این پدیده دارند، به عنوان پدیده‌ای استرس‌زا که پیامدهای اجتماعی و ... دارد، شناخته می‌شود. ایجاد محلات پرجمعیت،

حاشیه‌نشینی، بیکاری، شغل‌های کاذب، فقر، بیکاری پنهان، آلودگی‌های زیست‌محیطی و ... از جمله موضوعات بی‌شماری است که به عنوان پیامد مهاجرت داخلی در نظر گرفته شده است (فخرایی و عبدی، ۱۳۹۰). در مقابل استرس حاصل از فرآیند مهاجرت مانند: فقدان خانواده و دوستان، آداب و رسوم و لزوم انطباق با محیط فرهنگی جدید همواره به عنوان یک چالش اصلی و اساسی برای مهاجران در جوامع میزبان وجود داشته است (Guarnaccia & Lopez, 1998). در سوی دیگر مهاجرت می‌تواند به موانع زبانی، فشار اقتصادی، تجارب توأم با تبعیض و جدایی خانوادگی منجر شد (Arbona et al., 2010; Leidy et al., 2010). به هر صورت موضوع مهاجرت و موضوعات پیش‌روی آن یکی از موضوعات غیرقابل انکار برای مهاجرین بوده است. در موضوع مورد نظر در پژوهش نیز، افغان‌ها یکی از بزرگترین گروه‌های مهاجر در دنیا بوده که همواره حضور آن‌ها در کشورهای میزبان و مقصد با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو بوده است. منازعات داخلی ناشی از تنش‌های قومی، مذهبی و سیاسی، فقر، جنگ‌های داخلی و بین‌المللی، موقعیت جغرافیایی و شرایط آب‌وهوایی خاص، ظهور نیروهای طالبان و داعش منجر به مهاجرت‌های گسترده بین‌المللی و همچنین آوارگی داخلی برای میلیون‌ها افغان شده است. آوارگی، مهاجرت و پناجویی به عنوان تجربه زیسته میلیون‌ها افغان در تاریخ این کشور بوده که همواره به عنوان یکی از مهمترین کشورهای مهاجرفرست در سطح بین‌المللی مطرح بوده و طبق اعلام سازمان جهانی صلیب سرخ ۷۶ درصد مردم افغانستان حداقل یکبار تجربه آوارگی را در زندگی خود داشته‌اند (ICRC, 2009). در بخش‌های بعدی به موضوعات مهاجرین افغان در برخی از کشورهای نمونه که به عنوان مقاصد اصلی مهاجرت از سوی آنان بوده خواهیم پرداخت.

– موضوعات مهاجرین افغان در ترکیه

کشور ترکیه، بزرگترین کشور مهاجرپذیر در جهان بوده که بالطبع یکی از بزرگترین گروه‌های مهاجر در این کشور نیز افغان‌ها هستند. براساس آمار سازمان ملل در کشور ترکیه؛ بیش از ۳/۴ میلیون پناهنده در این کشور وجود دارد. سهولت ورود و عدم نیاز به ویزا یکی از مهمترین انگیزه‌های مهاجران افغان برای مهاجرت غیرمستعارف به این کشور است. براساس گزارش‌های آماری، تنها در سه ماه آخر سال ۱۴۰۰ بیش از ۳۰ هزار پناهجوی افغان از مرزهای غربی وارد

کشور ترکیه شده‌اند. طبق اعلام کمیسیون عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، تعداد ۱۷۰ هزار افغان در ترکیه پناهجو تا پایان مارس ۲۰۱۷ به دفتر سازمان ملل در ترکیه درخواست پناهندگی داده‌اند که اکثریت آن‌ها در انتظار زمان مصاحبه هستند و شهرهای اوشاک، ارزنجان، ازمیر، آنکارا، استانبول عمدتاً محل تجمع قاجاقبران هستند (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۳؛ سعیدی، ۱۳۹۷: ۲۵). اما با همه این شرایط؛ حضور افغان‌ها در این کشور به عنوان افراد مهاجر همواره با موضوعاتی برای آنان بوده است. در طی طرح تحقیقی که توسط کمیته تحقیق و مطالعات انجمن فرهنگی و همبستگی هزاره‌های افغانستان در زمینه وضعیت مهاجران در ترکیه در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ انجام شده، نتایج قابل توجهی برای موضوعات مهاجرین افغان در این کشور ارائه شده است. مهاجرین در این کشور با موضوعات: دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، عدم توانایی تکلم به زبان ترکی، اقامت و موضوعات مرتبط به آن، آموزش و پرورش و حقوق کودکان، حقوق و مسئولیت‌های مهاجرین، اشتغال‌زایی و درآمد و دسترسی به نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با مهاجرت روبه‌رو بوده‌اند.

– موضوعات مهاجرین افغان در پاکستان

کشور پاکستان، از جمله دولت‌های پسااستعماری است که اقوام مختلفی در آن ساکن هستند. این کشور در حالی که به طور سنتی به عنوان یک کشور مهم مهاجرپذیر شناخته می‌شود؛ نمی‌توان نقش این کشور را به عنوان کشوری که در خاورمیانه بیشترین مهاجران افغان در آن پناهنده هستند، انکار کرد. این کشور و ترکیه به‌عنوان بزرگ‌ترین پناهنده‌های مهاجرین در دنیا هستند (Masudi & Mustafa, 2022). در این کشور، میلیون‌ها مهاجر افغان از زمان شروع جنگ ده ساله شوروی و افغانستان در سال ۱۹۷۹ و پس از آن به دلیل جنگ داخلی در دهه ۱۹۹۰ این کشور، به کشور پاکستان پناهنده شدند. هرچند در طول سال‌ها، برخی از مهاجرین به کشور خود بازگشتند، اما اغلب به صورت طولانی مدت بدون وضعیت مشخص پناهندگی و اینکه از سوی کشور پاکستان به رسمیت قانونی شناخته شوند، باقی ماندند (Mogiani et al., 2024). اما با توجه به موضوع مورد بحث در پژوهش، طرح گسترده‌ای برای افزایش آگاهی برای کمپین‌های اطلاعاتی در مورد مهاجرت غیرقانونی مهاجرین افغان به کشور پاکستان (PARIM-II) انجام شده است (Qaisrani et al., 2021). شرایط سخت مهاجرین

افغان در پاکستان از یک سو تحت تأثیر سرکوب مهاجرت‌های غیرقانونی دولت پاکستان قرار دارد و از سوی دیگر مهاجرین با توجه به دلایل انسانی و امنیتی قادر به بازگشت به کشور خود نیستند. طرح مورد نظر با هدف ارائه توصیه‌های برای اتخاذ مناسب‌ترین سیاست‌ها و اقدامات برای مهاجرین افغان در کشور پاکستان انجام شده است.

قانون اتباع خارجی که در سال ۱۹۴۶ در این کشور تصویب شد، نخستین قانون برای اتباع خارجی در این کشور بود. این موضوع به مسائل مربوط به پذیرش خارجی‌ها در این کشور، اقامت و خروج آن‌ها می‌پردازد. این قانون در سال ۲۰۰۰ اصلاح شد تا از ورود هرگونه اتباع خارجی به این کشور که مدارک معتبر مسافرتی ندارند، خودداری شود. هرچند تصویب و اصلاح این قانون موجب تمایز میان پناهندگان و سایر مهاجران در این کشور گردیده، اما هنوز سیستمی برای مدیریت و سازماندهی مناسب مهاجرین و پناهندگان در این کشور وجود ندارد (Masudi & Mustafa, 2022: 1277). موقعیت‌های غیرقابل اعتماد که موجب می‌شود بسیاری از مهاجرین بدون اینکه براساس ارزیابی‌ها و عملکردهای فردی وضعیت پناهندگی به آن‌ها اعطا شود، غالباً این وضعیت به صورت گروهی به آن‌ها اعطا می‌گردد. در این میان همان‌طور که بسیاری از فعالیت‌ها و عملکردهای بین‌المللی با حمایت سازمان‌ها در کشور میزبان و توسط دولت آن کشور انجام می‌گردد، اما شرایطی که مهاجرین افغان در کشور پاکستان نشان می‌دهد، شرایط متفاوتی است. در سال‌های اخیر هیچ تلاشی از سوی دولت یا آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) برای ثبت‌نام پناهندگان، صدور اوراق هویت (تذکره)، یا اعطای وضعیت معتبر به مهاجرین افغان صورت نگرفته است. لذا پناهندگانی که خارج از کمپ‌ها زندگی می‌کنند معمولاً مجبور می‌شوند با زندگی در مناطق روستایی یا محله‌های یهودی‌نشین که اغلب با شرایط بد زندگی، خطرات مرگبار و شیوع بالای فعالیت‌های اجتماعی غیرقانونی مشخص می‌شوند، دست و پنجه نرم کنند. هر چند در این میان، بسیاری از مهاجرین که از سال‌های گذشته در این کشور پناهنده شده‌اند، توانسته‌اند از نظر اجتماعی و اقتصادی در جامعه پاکستان ادغام شوند. بسیاری از آنان که تحصیل کرده نیز هستند، به‌عنوان خدمتکار یا کارگر در ساختمان‌سازی، قالی‌بافی و آجرسازی و سایر مشاغل، مجبور به ورود به بخش غیررسمی در کشور پاکستان شدند (Masudi & Mustafa, 2022).

– موضوعات مهاجرین افغان در آمریکا

در کنار کشورهای ترکیه و پاکستان که به عنوان بزرگترین پناهیویان در دنیا قرار دارند، کشور آمریکا نیز در زمره کشورهایی است که در آن مهاجرین افغان هر ساله به امید یافتن زندگی مناسب تر به آن مهاجرت می کنند. اینکه افغان ها غالباً به عنوان گروه های اصلی مهاجرین در بسیاری از کشورها هستند، این مهاجرین در آمریکا تنها در گروه های محدود و پراکنده ای قرار دارند (Stempel & Alemi, 2021: 4874). مهاجرت گروه های افغان به کشور آمریکا و اجتماع پذیری آن ها در جامعه آمریکا، پدیده ای بوده که در مراحل و بخش های جداگانه صورت پذیرفته است. موج نخستین مهاجرین که از آن ها به عنوان مهاجرین تحصیل کرده یاد می شود، بزرگ ترین پناهنده های افغان بودند که با تحصیلات عالی در یافتن شغل یا آموزش مناسب یا برای ادامه تحصیل در دهه ۱۹۹۰-۱۹۸۰ به کشور آمریکا مهاجرت کردند. گروه های مهاجرین دیگری نیز پس از آن مهاجرت کردند که عمدتاً دلایل و موقعیت آنان وابستگی بالایی به بخش و فعالیت های اقتصادی داشته است. در این کشور نیز مهاجرین افغان براساس آنچه که در گزارش ها و پژوهش های علمی ذکر شده با موضوعات عمده ای روبه رو بوده اند. بیشتر آنان حقوق ساعتی و سطح شغلی پایین تری دارند (Connor, 2010). علاوه بر مشکلات اقتصادی مهاجرین، تبعیض و اسلام ستیزی یکی دیگر از مشکلات اصلی پیش روی مهاجرین افغان در این کشور است. بیشتر پناهندگان افغان در کشور آمریکا، مسلمانان کشوری هستند که در رسانه های این کشور به شدت با اسلام بنیادگرا و تروریسم اسلامی مرتبط است که این موضوع آن ها را در مقایسه با دیگر مهاجرین مورد تبعیض قابل توجهی قرار می دهد (Pew Research Center, 2017; Alemi & Stempel, 2018). بیشتر مهاجرین افغان در نظرسنجی جامعه آمریکایی «سفیدپوست» و از طریق دسته بندی های نژادی، اسلام دیده می شوند. در این زمینه، براساس گزارش ها خصوصت ضد مسلمانان در ایالات متحده نیز از اواخر دهه ۲۰۰۰ افزایش یافته است. به صورتی که تعداد بیشتری از آمریکایی های سفیدپوست در سال ۲۰۱۶ نسبت به مسلمانان (۳۲٪)، نسبت به اسپانیایی ها (۱۱٪)، نسبت به آفریقایی - آمریکایی ها (۱۱٪) و نسبت به آمریکایی - آسیایی ها (۷٪) یا یهودی های آمریکایی احساسات سردی بیشتری داشتند (Stempel & Alemi, 2021). از دیگر مشکلات موجود برای مهاجرین افغان در کشور آمریکا، اشتغال و کسب درآمد مناسب است. همچنین ضعف تکلم به زبان انگلیسی و جدایی گزینی و عدم انطباق از دیگر موضوعات موجود پیش روی مهاجرین بوده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به حضور طولانی مهاجرین افغانستانی در کشور ایران، ضرورت بررسی و انجام پژوهش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها در کشور ایران، از سال‌های پیش آغاز شده و لذا پرداختن به این موضوع نمی‌تواند یک موضوع نو باشد. اما آنچه که بیشتر مورد توجه است، رویکردهای متفاوتی بوده که در این پژوهش‌ها به عنوان مسئله اصلی مورد توجه قرار گرفته است. به طور نمونه؛ در دهه‌های نخستین که مهاجرین افغانی در کشور ایران حضور یافتند؛ بنابر تحولات سیاسی و اجتماعی که در این کشور همزمان در حال رخ دادن بود، غالب جهت‌گیری پژوهش‌ها در کشور ایران بیشتر از بعد سیاسی بوده است. در سال‌های بعد و با شدت گرفتن مهاجرت افغان‌ها در کشور ایران، موضوع پژوهش‌ها از جنبه سیاسی به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تغییر پیدا می‌کند. برای نمونه می‌توان به پژوهش‌های: بررسی وضعیت جمعیتی و بهداشتی مهاجران افغانستانی (پریوش، ۱۳۸۳؛ معصومی و ارقامی، ۱۳۷۸، میرزایی، ۱۳۹۶ الف و Abbasi-Shavazi & Sadeghi, 2015)، وضعیت اقتصاد مهاجران افغانستانی (میرزایی، ۱۳۹۶ ب و (Monsutti, 2004)) تغییرات فرهنگی مهاجرین افغانستانی (محمودیان، ۱۳۸۴)، بازگشت مهاجرین به افغانستان (صادقی و عباسی شوازی، ۱۳۹۵)، هویت قومی - زبانی مهاجران افغانستانی (میرزایی، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳)، سبک زندگی مهاجران و مؤلفه‌های فرهنگی (میرزایی، ۱۳۸۶ و Mirzaei, 2013) و همچنین موضوعات مرتبط با آموزش و تحصیل مهاجران افغانستانی (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵؛ خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۰) انجام شده است. اما در ارتباط با موضوع مورد نظر، آنچه که بررسی مشخص می‌کند پژوهش مشخصی در این زمینه انجام نشده است. در ادامه بنابر ماهیت کلی موضوع مورد نظر و اینکه جهت‌گیری اصلی پژوهش بر محور نیروهای انسانی تحصیل کرده و آموزش دیده افغان در کشور ایران قرار دارد، این موضوع در فراخور پیشینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سعیدی و فلاحی (۱۳۹۹)، در پژوهشی به تحلیل موضوعات نیروی انسانی از جنبه بررسی دانشجویان افغانستانی (دختران) در ورود به نظام آموزش عالی ایران می‌پردازند. روش جمع‌آوری داده‌های و روش تحلیل آن‌ها مبتنی بر تکنیک تحلیل مضمون بوده است. نتایج آنان نشان می‌دهد که آموزش عالی ایران با تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی دختران افغانستانی نقش مهمی در

تحرك عمودی آنان داشته است. اما مواجه دانشجویان افغانستانی با مجموعه موانعی که در مرحله پیش از ورود به دانشگاه وجود دارد فرایند فرهنگ‌پذیری این گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سختی مضاعف کنکور با موضوع شهرها و رشته‌های ممنوعه، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه دانشجویان بین‌المللی، موضوعات بوروکراتیک انتقال از نهاد آموزش و پرورش به نهاد آموزش عالی، ضعف اطلاع‌رسانی و نبود وحدت رویه در سیاست‌گذاری‌های موجود در حوزه مهاجران، تأثیر روابط سیاسی دو کشور و معادلات منطقه‌ای بر نهاد دانشگاه، چالش شهریه، ابهام در بورسیه‌های تحصیلی و تأثیر قانون تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران در ریزش سهم دختران در آموزش عالی از مهمترین موضوعات دانشجویان افغانستانی در ایران می‌باشد (سعیدی و فلاحتی، ۱۳۹۹).

در پژوهش دیگری، گروه هدف پژوهش خسروی و همکارانش (۱۳۹۸)، دانش‌آموزان افغانستانی ساکن در شهر شیراز بودند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که میان متغیر سازگاری و متغیرهای تبعیض، رضایت‌مندی، احساس تعلق به ایران، پذیرش جامعه میزبان، تأکید والدین بر فرهنگ بومی، هویت ملی و محل تولد مادر، رابطه معنی‌داری وجود دارد. آنان نتیجه‌گیری می‌کنند که تلاش در راستای کاهش تبعیض در محیط مدرسه و نیز اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور آشنایی بیشتر با فرهنگ جامعه میزبان و نیز تعامل بیشتر مهاجران با گروه‌های غیرمهاجر می‌تواند سازگاری بالاتر مهاجران را به دنبال داشته باشد (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸).

میرزایی (۱۳۹۶ ج)، نیز به بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران می‌پردازد. وی بیان می‌کند که کشور ایران در چهار دهه گذشته میزبان بزرگترین جمعیت مهاجرین از جمله افغانستانی‌ها بوده است. تحصیل بعد از امنیت و اقتصاد یکی از عوامل مهم جذب مهاجران افغانستانی به ایران بوده است. مدارس دولتی، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، نهضت سوادآموزی، مدارس خودگردان و مدارس مؤسسه‌های خیریه در کشور ایران زمینه تحصیل مهاجران در هر سطحی را ممکن ساخته اما این امکانات با دشواری‌های اقتصادی، هویتی، سلیقه‌ای و مانع‌تراشی‌ها، نگرانی‌های مذهبی، مخالفت‌های ایرانی معترض و ... گره خورده است. وی در این پژوهش وضعیت انطباق تحصیلی مهاجرین افغانی را در شهرک قائم قم بررسی می‌کند. جمع‌آوری داده‌های او مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق و مشاهده‌های همراه با مشارکت بوده است. نتیجه‌گیری

کلی وی بر آن است که مدارس و دانشگاه‌ها بهترین مکان برای جامعه‌پذیری و ادغام مهاجران در کشور ایران قلمداد می‌شوند (میرزایی، ۱۳۹۶).

در پژوهش دیگری نصرافهانی و حسینی (۱۳۹۵)، نیروهای انسانی تحصیل کرده افغانستانی را از جنبه تأثیر سیاست‌های تحصیلی بر آن‌ها در شهر تهران بررسی می‌نماید. آنان برای جمع‌آوری اطلاعات با ۱۱۶ نفر از اتباع افغانستانی ساکن شهر تهران در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته مصاحبه انجام می‌دهند. نتایج آنان نشان می‌دهد: آن دسته از اتباع افغانستانی که به صورت قانونی در ایران زندگی می‌کنند، با موانعی چون فقدان توان مالی پرداخت شهریه، مقاومت مردم محلی، الزام به ترک کشور پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه یا عدم امکان اشتغال با مدرک تحصیلی روبرو هستند. در مقابل اتباع غیرمجاز نیز در مدارس دولتی امکان ثبت‌نام ندارند و تعداد محدودی از آن‌ها در قالب مدارس خودگردان تحصیل می‌کنند (نصرافهانی و حسینی، ۱۳۹۵).

همچنین موضوع تاریخ شفاهی حیات آموزشی مهاجران و نیروهای انسانی افغان در اصفهان توسط صفری (۱۳۹۱)، مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش وی کاربردی و از نوع روش کیفی بود. وی در این پژوهش از ابزار اسناد و مدارک، مشاهده، مصاحبه حضوری و پرسشنامه استفاده کرد. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که تأمین هزینه‌های تحصیلی دانشجویان و طلاب افغانی یکی از مشکلات اساسی مهاجران است. عدم آشنایی کارکنان نظام اداری ایران با قوانین مرتبط با مهاجرین، موازی‌کاری برخی نهادها و سازمان‌های اداری ایران در قبال مهاجرین افغان، بورکراسی اداری را سنگین‌تر و موجب ضعف در تصمیم‌گیری در قبال مهاجرین شده است. همچنین ضعف در قانون‌گذاری و نگاه کارگر محور به نخبگان افغان موجب رنجش آنان در سال‌های اخیر شده است (صفری، ۱۳۹۱).

در پژوهش‌های خارجی نیز موضوعات نیروی انسانی تحصیل کرده افغان به طور مشخص و روشن مورد توجه قرار نگرفته و پژوهش‌ها غالباً به صورت بررسی و شناخت موضوعات مهاجرین افغان انجام شده است. پویا^۱ (۲۰۲۲)، در پژوهشی به شناسایی و بررسی موضوعات مهاجرین افغان در ترکیه می‌پردازد. وی بیان می‌کند که جنگ و درگیری‌های پنج دهه در افغانستان، افغان‌ها را در مقاطع مختلف مجبور به مهاجرت کرده است. اما به نظر می‌رسد که این حرکت‌های بی‌برنامه

1. Pouya

مهاجرت، به دلیل اسکان غیرقانونی جمعیت افغانستان در کشورهای میزبان، از جمله ترکیه، موضوعات بسیار بیشتری از فرصت‌ها برای آن‌ها ایجاد کرده است. پیامدهای اقتصادی همه‌گیری کووید-۱۹ در ترکیه و همچنین افزایش گسترده پناهجویان افغان، ناآرامی اجتماعی و مشکلات متعددی را در برخی از شهرهای محلی به همراه داشته که دولت ترکیه را مجبور به اتخاذ اقدامات ویژه کرده است. لذا افغان‌ها که بیشترین بخش از کل جمعیت مهاجران ترکیه را تشکیل می‌دهند، هم در مسیر مهاجرت و هم پس از آن با خطرات و موضوعاتی مانند امنیت، اخراج و غیره مواجه بوده‌اند (Pouya, 2022).

در پژوهش دیگری، رضایی و همکارانش (۲۰۲۱) به بررسی موضوعات ادغام پناهندگان سابق افغان در کشور استرالیا می‌پردازند. پژوهش آنان ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی، بود. نتایج آنان نشان می‌دهد که پناهندگان سابق افغان به ایمنی و امنیت، دموکراسی باز و جامعه منظم استرالیا و همچنین دسترسی به خدمات آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی و فرصتی برای تحرک اجتماعی اهمیت می‌دهند. با این حال، از آنجایی که ادغام یک فرآیند طولانی است، آن‌ها نیز در این زمینه با موضوعاتی روبرو هستند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که افغان-استرالیایی‌ها برای غلبه بر برخی از این چالش‌ها، به‌ویژه تأمین شغل در حوزه علایق و مشاغل حرفه‌ای خود که دارای صلاحیت‌ها و تجارب از افغانستان هستند، نیازمند حمایت بیشتر دولت استرالیا هستند. آن‌ها همچنین موضوعات گسترده‌تری را در زمینه مسائل اجتماعی-فرهنگی در جامعه استرالیا تجربه می‌کنند. از آنجایی که جامعه افغان یک جامعه نوظهور در استرالیای غربی است، برای تقویت همبستگی و همبستگی قومی خود نیاز به حمایت بیشتر از سوی دولت محلی دارند (Rezaei et al., 2021).

همچنین بررسی شرایط کار، اسکان و درآمد مهاجرین افغان، موضوع مورد نظر پنداکار (۲۰۲۱) بوده است. وی با استفاده از داده‌های سرشماری می‌افزاید که پسران مهاجران افغان بهتر از پدران خود هستند، اما از نظر احتمال اشتغال بهتر از سایر مردان مهاجر نیستند، اما کسانی که کار می‌کنند عموماً درآمد بیشتری دارند. دختران مهاجران افغان هم از نظر احتمال اشتغال و هم از نظر درآمد در مقایسه با سایر زنان مهاجر وضعیت بسیار بهتری دارند. با این حال، احتمال مالکیت خانه برای خانوارهای افغان کم است (Pendakur, 2021).

در پژوهش دیگری گلاذول^۱ (۲۰۲۱)، به بررسی و تحلیل نقش پیشرفت تحصیلی بر ادغام و رفاه جوانان پناهنده افغان در انگلستان می‌پردازد. پژوهش وی که ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی بوده نتایج ارزشمندی را در زمینه جایگاه و اهمیت آموزش و تحصیل در میان مهاجرین و پنهانندگان افغانستانی ارائه می‌دهد. تحلیل داده‌های تحلیل شده وی نشان می‌دهد که همبستگی مثبتی میان دستیابی به سطوح بالاتر تحصیلات و نتایج اجتماعی-اقتصادی پناهندگان افغان در سراسر مناطق انگلستان، به‌ویژه فراتر از آموزش ابتدایی، وجود دارد (Gladwell, 2021).

بررسی پیشینه مشخص می‌کند که با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور افغانستان، موضوع مهاجرت و پناهندگی این کشور یکی از موضوعات اصلی مورد توجه از سوی محققان بوده است. با توجه به اینکه در اغلب کشورها، اطلاعات و داده‌های رسمی دقیقی از این جمعیت ندارند؛ جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب نمونه‌ها در این پژوهش‌ها بیشتر هدفمند و انتخابی (مانند تحقیقات: سعیدی و فلاحی (۱۳۹۹)، خسروی و همکاران (۱۳۹۸)، میرزایی (۱۳۹۶ ج)، نصراف‌فهرانی و حسینی (۱۳۹۵)، صفری هاشم آبادی (۱۳۹۱)، پویا (۲۰۲۲) و رضایی و همکاران (۲۰۲۱)) و در مقابل پژوهش‌های محدودی توسط پنداکار^۲ (۲۰۲۱) و گلاذول^۳ (۲۰۲۱) انجام شده که به دلیل اطلاعات در دسترس، محققان از نظرسنجی‌های از پیش آماده و داده‌های سرشماری استفاده نموده‌اند. نکته قابل اهمیت در موضوع این پژوهش‌ها است. پژوهش‌ها غالباً به صورت؛ بررسی شرایط اجتماعی، فرهنگی و به طور کلی موضوعات حضور جمعیت مهاجرین در کشورهای مقصد/میزبان بوده است. دلیل اصلی این موضوع، مهاجرت همراه با گروه‌های خانوادگی و انفرادی این افراد و شرایط اقتصادی و اجتماعی آنان که در سطح پایینی در جوامع و کشورهای میزبان است. در این زمینه همچنین با توجه به اینکه مهاجرین، تحصیلات و آشنایی کمتری به زبان جامعه میزبان دارند، استفاده از مصاحبه و مشاهده، روش غالب جمع‌آوری در پژوهش‌ها بوده و پژوهش‌های محدودی از پرسشنامه و یا نظرسنجی استفاده نموده‌اند. نوع تحلیل داده‌ها نیز در این پژوهش‌ها منطبق با نوع داده‌های جمع‌آوری شده بوده است. اما موضوع دیگری که می‌تواند در بررسی این بخش بسیار قابل اهمیت باشد؛ شناخت و دسته‌بندی کلی از موضوعاتی است که بسیاری از پژوهش‌های یاد شده بدان رسیده‌اند. این چالش‌ها که می‌تواند ترکیبی از

1. Gladwell
2. Pendakur
3. Gladwell

موضوعات دورنی و بیرونی باشد، می تواند در جهت دهی به سؤالات و اهداف پژوهش تعیین کننده باشد. لذا به عنوان نکته پایانی، این عوامل و موضوعات اصلی در جدول (۱)، مشخص شده اند:

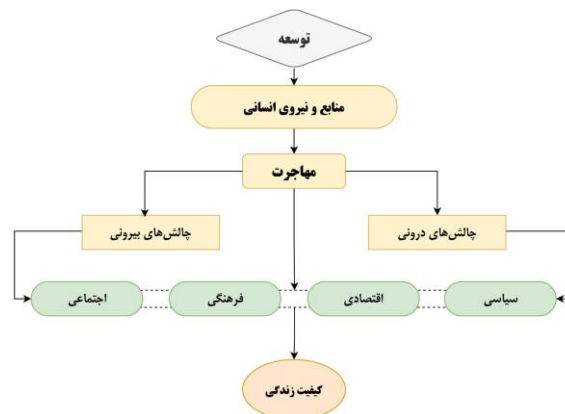
جدول ۱. موضوعات مهاجرین افغانستانی براساس پیشینه پژوهش

عوامل	موضوعات اصلی	موضوعات فرعی
اجتماعی	آموزش و تحصیل	شرایط ورودی سخت به آموزش عالی در کشور میزبان- انتقال اداری از آموزش و پرورش به آموزش عالی در کشور میزبان- اطلاع رسانی ضعیف در معرفی زمینه و شرایط تحصیلی در کشورهای میزبان- شهریه و ابهام در بورسیه های تحصیلی دانشجویان اتباع (سعیدی و فلاحتی، ۱۳۹۹) (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵) (صفری هاشم آبادی، ۱۳۹۱)؛ تبعیض در آموزش و در هنگام تحصیل دانشجویان اتباع (سعیدی و فلاحتی، ۱۳۹۹) (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ محدودیت های تحصیل در رشته و محل تحصیل دانشجویان اتباع (میرزایی، ۱۳۹۶ ج) (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵)
	زندگی و سکونت	موانع پذیرش توسط جامعه میزبان در محل سکونت مهاجرین- تبعیض در محل سکونت مهاجرین (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸) (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵) (رضایی و همکاران، ۲۰۲۱)
فرهنگی	فرهنگ و مذهب	تأکید بر فرهنگ بومی در جامعه میزبان (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ نگرانی ها و تبعیض میان مهاجرین مذهبی در کشورهای میزبان (میرزایی، ۱۳۹۶ ج) (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵) (رضایی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ اثرگذاری فرهنگی جوامع میزبان بر مهاجرین (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵)؛ بازخورد منفی نسبت به فرهنگ کشور افغانستان- موانع توسعه شبکه های اجتماعی و فرهنگی مهاجرین در کشورهای میزبان- تفاوت در دیدگاه و تفکرات نسلی میان مهاجرین در جامعه میزبان- موضوعات قومیتی و فردی (جنسیتی) میان مهاجرین در کشورهای میزبان (رضایی و همکاران، ۲۰۲۱)
اقتصادی	کسب شغل و فعالیت	محدودیت های اقتصادی برای تأمین هزینه ها و درآمد توسط مهاجرین (میرزایی، ۱۳۹۶ ج)؛ محدودیت های مشاغل مجاز برای اتباع در جامعه میزبان (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵)؛ نگاه کارگر محور به نخبگان مهاجر (صفری هاشم آبادی، ۱۳۹۱)؛ امنیت در کسب شغل توسط مهاجرین (پویا، ۲۰۲۲) (پنداکار، ۲۰۲۱)؛ تأیید تخصص و مهارت مهاجرین در کسب شغل (رضایی و همکاران، ۲۰۲۱)
	درآمد و سرمایه گذاری	امنیت در درآمد و سرمایه گذاری مهاجرین در کشور میزبان (پویا، ۲۰۲۲) (پنداکار، ۲۰۲۱)

عوامل	موضوعات اصلی	موضوعات فرعی
سیاسی	اقامت و هویت	ضعف دستورالعمل‌های تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران (سعیدی و فلاحی، ۱۳۹۹)؛ موانع در کسب اوراق هویتی و اقامتی مهاجرین (میرزایی، ۱۳۹۶ ج) (پویا، ۲۰۲۲)؛ الزام به ترک کشور میزبان پس از پایان تحصیل (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵)؛ اخراج و اقامت نامعلوم مهاجرین در کشور میزبان (پویا، ۲۰۲۲)
	نهادی و قانون‌گذاری	مانع‌تراشی‌های اداری در هنگام اخذ اقامت و ... (نصراصفهانی و حسینی، ۱۳۹۵)؛ آشنایی پایین نظام اداری جامعه میزبان با قوانین مرتبط با مهاجرین - موازی‌کاری برخی نهادها و سازمان‌های اداری جامعه میزبان - ضعف در قانون‌گذاری و مدیریت مهاجرین در جامعه میزبان (صفری هاشم آبادی، ۱۳۹۱)

دسته‌بندی عوامل اصلی مهاجرین افغان در ۴ عامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مشخص شدند. برای هر کدام از این عوامل نیز، موضوعات اصلی مشخص شدند. این عوامل و دسته‌بندی‌ها هر چند به طور مشخص بر موضوع «نیروی انسانی تحصیل کرده افغان» اشاره ندارند. اما به عنوان پژوهش‌هایی که در آن بر موضوع آموزش و تحصیل مهاجرین و نیروهای انسانی آن تأکید دارند، حائز اهمیت هستند. در نهایت به عنوان یک نتیجه‌گیری کلی از بررسی پیشینه پژوهش و اینکه محور اصلی پژوهش بر نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان قرار دارد؛ این موضوع در پژوهش‌ها به طور مشخص مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد که در میان کشورهایی که مهاجرین افغان در آن حضور دارند، کشور ایران به عنوان تنها کشوری است که مهاجرین در آن از پیش، خانواده و حتی متولد شده کشور ایران هستند و اینکه این کشور مقصد اصلی برای گروه‌های مهاجرین برای تحصیل است. اما اینکه، نیروهای انسانی تحصیل کرده به عنوان یک منبع ارزشمند برای کشورها شناخته می‌شوند، تردیدی نیست و کماکان که امروزه نیز توجه فزاینده‌ای به این موضوع شده، به صورتی که یکی از اهداف اصلی شرکت‌ها، سازمان‌ها و حتی کشورها نیز در توسعه نیروی انسانی آن قرار دارد. اما اینکه نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور میزبان دیگری قرار دارند و به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و ... جامعه میزبان، شرایط جامعه‌پذیری و تحرک اجتماعی آن‌ها می‌تواند دستخوش دگرگونی قرار بگیرد. این موضوع از جنبه رشد و توسعه منابع انسانی چه از سوی کشور افغانستان برای استفاده از این منابع و چه برای کشور ایران برای مورد توجه قرار دادن آن‌ها حائز اهمیت است. بنابراین پژوهش با مورد توجه قرار دادن این

موضوع و بررسی پیشینه پژوهش که از آن‌ها به عنوان تعیین بخش‌های اصلی در پژوهش استفاده خواهد نمود، نیروهای تحصیل کرده افغان را در موضوع و بطن اصلی پژوهش قرار داده است.

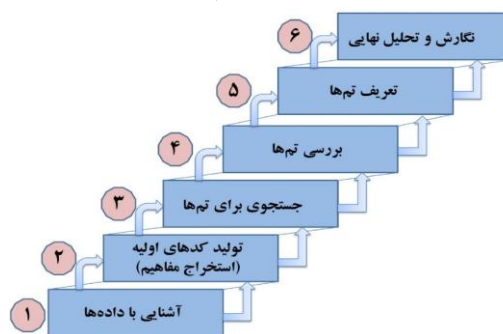


شکل ۱. مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش به دلیل کیفی بودن نوع تحقیق، مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی است. پژوهش همچنین ماهیتی تجربی، تجربیدی یا استقرایی-قیاسی دارد که با رویکردی تفسیرگرایانه به مطالعه و شناسایی موضوعات نیروی انسانی تحصیل کرده افغان می‌پردازد. از نظر هدف نیز پژوهش کاربردی و به لحاظ نوع، توصیفی-تحلیلی و از نظر زمانی از نوع پژوهش‌های مقطعی است. میدان مورد مطالعه در پژوهش شهر تهران در کشور ایران بوده که دلیل اصلی پژوهشگر برای انتخاب این شهر، سکونت وی به عنوان دانشجو و دسترسی مناسب به نمونه‌های مورد مطالعه جهت انجام مصاحبه بود. نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان (دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان) در کشور ایران به عنوان اصلی‌ترین گروه هدف در پژوهش بودند. در مقایسه با پژوهش‌های مورد بررسی در پیشینه، علاوه بر این گروه؛ مدیران و سازمان‌های مرتبط با مهاجرین مانند: «سازمان‌های: امور دانشجویان، وزارت علوم، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، امور بین‌الملل نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، انجمن‌های دانشجویی و مدیران دفاتر امور بین‌الملل دانشگاه‌ها» نیز به عنوان بخشی از جامعه هدف برای غنی‌تر کردن یافته‌ها انتخاب شدند. اما در رابطه با تعداد مشارکت‌کنندگان و به

دلیل روش انتخابی و شیوه نمونه‌گیری در پژوهش؛ نمونه نخست براساس شناخت محقق از میدان پژوهش و بخشی از نمونه‌ها نیز به صورت گلوله‌برفی و هدفمند پس از مصاحبه با انتخاب نمونه‌های اول انجام شدند. در ارتباط با ابزار گردآوری داده‌ها نیز با توجه به اینکه مهاجرین افغان اغلب تحصیلات و آشنایی کمتری به زبان جامعه میزبان دارند، لذا جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش به صورت مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختار انجام شد. این روش در پژوهش بدین صورت بود که محقق ابتدا پس از انتخاب نمونه‌ها و جلب رضایت آنان با شرح موضوع و هدف پژوهش، به بیان سؤالات مشخص و از پیش طراحی شده مصاحبه را آغاز می‌کند. در حین انجام مصاحبه محقق براساس گفتگو و نوع اطلاعاتی که از مشارکت‌کننده به دست می‌آورد، سؤالات جدیدی را طرح می‌کند. در این بخش محورهای مصاحبه شامل تجربه، برداشت و درک مشارکت‌کنندگان، احساس و واکنش ارادی آن‌ها، شرایط علی، پیامدها و مشکلات روحی و روانی، اجتماعی آن‌ها و چگونگی جامعه‌پذیری آن‌ها، میزان حق انتخاب‌گری آن‌ها و همچنین شرایط اقتصادی، اجتماعی، عرفی و فرهنگی تأثیرگذار به عنوان موضوعات مشارکت‌کنندگان بود. محل مصاحبه‌ها نیز بسته به شرایط مصاحبه‌شونده‌ها متغیر بود؛ بدین معنا که برخی از مصاحبه‌ها در دانشگاه و محل کار و برخی از آن‌ها نیز به جهت در دسترس نبودن افراد مورد مطالعه، به صورت برخط (گفتگوی تلفنی و آنلاین) انجام شد. تجربه و تحلیل داده‌های کیفی نیز در این پژوهش با استفاده از روش «تحلیل تم»^۱ انجام شد. این روش بر مبنای راهنمای شش مرحله‌ای براون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) (Braun & Clarke, 2006)، انجام شد.



شکل ۲. چارچوب مراحل شش مرحله‌ای تحلیل تم

1. Thematic Analysis
2. Braun & Clarke

همچنین بر مبنای کیفیت و اعتبار داده‌ها در پژوهش نیز محقق تا حد امکان نمونه‌های مورد مطالعه (مهاجرین تحصیل کرده افغان) را بر پایه تجربه زیسته و علاقه آنان به موضوع پژوهش که بتوانند اطلاعات بیشتری را ارائه دهند، انتخاب کرد. از سوی دیگر، در جهت اعتبار یافته‌ها که واحدهای معنایی حاصل از نتایج مصاحبه مورد توافق مشارکت کنندگان قرار گیرد، از روش بازبینی و تکرار مجدد آن‌ها استفاده نمود. بدین صورت که محقق پس از پایان هر مصاحبه، واحدهای معنایی مورد اشاره را پیش می‌کشید تا توافق فکری میان محقق و مصاحبه کننده حاصل شود. این مرحله تا زمان مصاحبه با آخرین نمونه انجام شد. در پایان هر کدام از واحدهای معنایی که در مصاحبه‌ها کمتر مورد توافق مصاحبه کنندگان قرار گرفته بودند، به عنوان یافته‌های پژوهش مورد استفاده قرار نگرفتند.

یافته‌های پژوهش

علی‌رغم حجم بالایی از مهاجرین افغان در کشور ایران که بخشی از آن‌ها به صورت غیرقانونی در این کشور حضور دارند، اما تعداد محدودی از آن‌ها دارای تحصیلات بوده و به دلیل نوع پژوهش، ۵۱ مصاحبه کننده در پژوهش مشارکت داشتند. همچنین به دلیل اینکه مهاجرین به صورت دائم یا موقت در کشور ایران اقامت دارند، تا حد ممکن توزیع برابری میان مشارکت کنندگان انجام شد. در جدول (۲)، فراوانی و مشخصات مشارکت کنندگان ارائه شده است.

جدول ۲. مشخصات توصیفی مشارکت کنندگان در پژوهش

مشخصات	طبقات	تعداد	حجم کل	فراوانی (درصد)
جنسیت	زن	۹	۵۱	۱۷/۶
	مرد	۴۲		۸۲/۴
سن	کمتر از ۲۰ سال	۶	۵۱	۱۱/۸
	۲۰ تا ۴۵ سال	۳۹		۷۶/۵
	۴۵ تا ۶۵ سال	۶		۱۱/۸
	بیشتر از ۶۵ سال	۰		۰/۰
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۳	۵۱	۵/۹
	دیپلم یا کارشناسی	۱۴		۵/۲۷

مشخصات	طبقات	تعداد	حجم کل	فراوانی (درصد)
	کارشناسی ارشد	۳۱		۶۰/۸
	دکتری و بالاتر	۳		۵/۹
مدت اقامت	موقت	۲۲	۵۱	۴۳/۱
	۵ تا ۱۰ سال	۱۰		۱۹/۶
	بیشتر از ۱۰ سال	۱۹		۳۷/۳
				۴۴/۹ دقیقه
مدت زمان مصاحبه	میانگین			

بیشتر مشارکت کنندگان از گروه مردان با ۸۲ درصد و بیشترین گروه سنی نیز ۲۰ تا ۴۵ سال بوده است. براساس نتایج، تحصیلات مشارکت کنندگان، کارشناسی ارشد بوده و مدت اقامت آنان نیز بیشتر موقتی و غالباً به عنوان دانشجو در کشور ایران است. مدت زمان متوسط برای هر مصاحبه نیز ۴۵ دقیقه بوده است. در پژوهش «تحلیل تماتیک» به عنوان، مبنای تجزیه و تحلیل انتخاب گردید. این نوع از تحلیل شامل ۶ مرحله بوده که جهت جلوگیری از طولانی شدن حجم پژوهش در جداول ارائه خواهد شد.

موضوعات اجتماعی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

در دنیای امروز، فرآیندهای توسعه و پیشرفت کشورها تک بعدی و متمرکز بر منابع مادی نیست. اکنون عوامل متعددی همچون منابع و سرمایه های انسانی تحصیل کرده برای کشورها قابل توجه و مورد اهمیت است. موضوعات اجتماعی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. یافته های تحلیل تم برای موضوعات اجتماعی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
۱	تبعیض میان نیروهای انسانی افغان در اقلیت براساس قومیت، نژاد و مذهب	تبعیض و احساس نابرابری	موضوعات اجتماعی
۲	موقعیت و جایگاه اجتماعی متفاوت نیروهای انسانی ایرانی و افغان در کشور ایران (احترام و ...)		
۳	برقراری ارتباطات کاری در محیط شغلی و جامعه براساس	تصویرسازی	

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
	پیش‌داوری‌های ذهنی از افغان‌ها در جامعه ایران	و ذهنیت‌های منفی	
۴	تصویر منفی نسبت به مهاجرین افغان در رسانه‌های جمعی		
۵	برچسب زدن به نیروهای تحصیل‌کرده افغان به عنوان «کارگر» انسانی		
۶	ضعف معرفی نیروهای افغان به عنوان یک نیروی متخصص		
۷	آشنایی پایین با فرهنگ، زبان فارسی و قوانین حقوقی و مدنی ایران	اجتماع‌پذیری فردی	
۸	کیفیت و نوع ارتباطات شخصی و اجتماعی نیروهای افغان		
۹	تفکر مادی‌گرایانه به جای تفکر یادگیری و کسب مهارت		
۱۰	عدم همراهی خانواده و نزدیکان به عنوان پشتیبان		
۱۱	تصور کردن آینده‌ای مبهم و نامشخص در کشور و جامعه ایران		
۱۲	احساس دوگانگی و مشتاق به بازگشت به افغانستان	فاصله‌گذاری اجتماعی	
۱۳	احساس سرخوردگی و تحقیر در هنگام شنیدن «مهاجر افغان»		
۱۴	احساس جایگاه اجتماعی پایین در کشور ایران		
۱۵	پیوند ضعیف میان اجتماعات قومی و قومیتی در میان نیروهای مهاجرین افغان در کشور ایران		
۱۶	سردرگمی هویتی (دو هویتی: ایرانی یا افغانی) نیروهای افغان		
۱۷	پذیرش اجتماعی پایین نیروهای افغان در اجتماع و بازار کار		

برای موضوعات اجتماعی، ۱۷ کد اولیه، ۴ تم فرعی شکل گرفت. تم اصلی مشترک میان موضوع نیز موضوعات اجتماعی نیروهای انسانی افغان بودند. احساس نابرابری و تبعیض در جامعه اجتماعی ایران، نخستین درک نیروهای انسانی افغان از کشور ایران بوده است. موضوع دومی که در موضوعات اجتماعی وجود دارد، تصویرسازی و ذهنیت‌های منفی نسبت به نیروهای انسانی افغان در کشور ایران است. در این موضوع مفاهیمی مانند: برقراری ارتباطات کاری در محیط شغلی و جامعه براساس پیش‌داوری‌های ذهنی از افغان‌ها، تصویر منفی نسبت به مهاجرین افغان در رسانه‌های جمعی ایران، برچسب زدن به نیروهای تحصیل کرده افغان به عنوان یک نیروی «کارگر» انسانی در کشور ایران و ... وجود دارد. بیشتر مهاجرین افغان به امید دستیابی به شرایط بهتر اقتصادی و کاری، کشور ایران را به عنوان مقصد نهایی خود انتخاب می‌کنند. یکی از

مشارکت کنندگان در ارتباط با ذهنیت‌های منفی و کارگرگونه نسبت به مهاجرین چنین اظهار می‌کند:

«موضوعات اقتصادی که ما در ایران داریم بسیار است. یکی از موضوعاتی که متأسفانه بسیار هم جافتاده، نگاه منفی به ما مهاجرین است. به ما نگاه کارگری دارند و متأسفانه کارهای پیش‌پا افتاده‌ای و کارهای ساده را به ما واگذار می‌کنند. البته این مشکل یکی بخشی از آن مربوط به خودمان است که مجبور می‌شویم هر چه گفتند انجام بدهیم و بخشی از آن تصویری است که نسبت به ما از گذشته در جامعه ایران وجود داشته است».

موضوع سوم، مفهوم اجتماع‌پذیری فردی است. مهاجران افغانستانی از منظر زبانی، مذهبی، ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی بیشترین میزان قرابت با جامعه کشور ایران دارند. اما به نظر می‌رسد علی‌رغم این موضوع، همچنان اجتماع‌پذیری و یا یک‌رنگ شدن نیروهای افغان با جامعه ایران مسئله اصلی و پیشروی برای آنان است. چهارمین مقوله اصلی نیز، فاصله‌گذاری اجتماعی است. فاصله اجتماعی، بیانگر دوربودن و یا نزدیک بودن گروه‌های اجتماعی نسبت به همدیگر است. در این موضوع مفاهیمی مانند: احساس دوگانگی و مشتاق به بازگشت به افغانستان از سوی نیروهای افغان، احساس سرخوردگی و تحقیر در هنگام شنیدن «مهاجر افغان» در جامعه اجتماعی ایران، احساس جایگاه اجتماعی پایین در کشور ایران و در جامعه علی‌رغم داشتن تحصیلات و جایگاه علمی، پیوند ضعیف میان اجتماعات قومی و قومیتی در میان نیروهای مهاجرین افغان در کشور ایران، سردرگمی هویتی (دو هویتی: ایرانی یا افغانی) نیروهای افغان در تقابل با جامعه ایران و پذیرش اجتماعی پایین نیروهای افغان در محیط اجتماعی یا بازار کار در ایران شناسایی شده است.

موضوعات فرهنگی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

موضوع دوم در پژوهش، شناخت موضوعات فرهنگی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران بود. براساس یافته‌های پژوهش، ۱۱ کد اولیه و ۱ تم شناسایی شد، جدول (۴).

جدول ۴. یافته‌های تحلیل تم برای موضوعات فرهنگی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
۱	ضعف در فرهنگ‌پذیری و ارتباطات مؤثر نیروهای افغان	فرهنگ‌پذیری	موضوعات
۲	تغییر سبک و شیوه زندگی مهاجرین پس از مواجهه با سبک زندگی	دوگانه	فرهنگی

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
	ایرانی		
۳	شیوه‌ها و خلیات متفاوت فرهنگی (دینی، ازدواج) نیروهای انسانی افغان		
۴	تقابل ارزش‌های علمی و تخصصی با ارزش‌های مادی و اقتصادی		
۵	وجود تعصب‌های قومی و قومیتی در میان جامعه اجتماعی ایران		
۶	رفتارهای گزینشی، احساسی و مبالغه‌آمیز در برخورد با نیروهای افغان		
۷	پذیرش دختران افغان به عنوان یک نیروی انسانی تحصیل کرده		
۸	در اقلیت بودن گروه‌ها و قومیت‌های مذهبی افغان در کشور ایران		
۹	غرور کاذب و افراطی میان برخی از نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان		
۱۰	ضعف و یا عدم روحیه تلاش و پشتکار در رسیدن به جایگاه واقعی خود		
۱۱	ضعف صلاحیت‌های رفتاری - اخلاقی در کنار صلاحیت‌های علمی و مهارتی نیروهای افغان		

بسیاری از نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان که در کشور ایران حضور دارند، بزرگ شده جامعه سنتی کشور افغانستان بوده هر چند امکان دارد بخشی از این دوره را نیز در کشور ایران گذرانده باشند. اما اینکه برخی از رفتارها و باورهای اجتماعی کشور افغانستان را هنوز دارند، انکارناپذیر است. یکی از مشارکت کنندگان که مردی ۴۵ ساله بوده و اکنون یک مغازه لوازم فروش موبایل و ... دارد، چنین اظهار نظر می کند:

«من و برادر و خواهرانم در ایران بزرگ شدیم. تحصیلات بالایی ندارم (اشاره نمی کند که چقدر تحصیلا دارد) ولی همیشه دوست داشتم که متفاوت با پدر و مادرم که زندگی سختی داشتند زندگی کنم. ما در ایران حتی با اینکه در ایران هم بزرگ شدم ولی محدودیت‌های زیادی داریم. اکنون این مغازه برای دوست ایرانی من است که اجاره کرده ولی من در آن کار می کنم. هر ماه مبلغی را به او می دهم. قبل از اینکه این فعالیت را انجام بدهم، کارهای زیادی را انجام دادم. به نظر من (حتی خودم در برخورد با مشتریانم احساس می کنم)، متأسفانه نمی توانیم ارتباطات

اجتماعی صمیمی و خوبی را در ایران و به خصوص در محل کار خودمان داشته باشیم. مثلاً برادر کوچک من، بعد از اینکه مقطع متوسطه را تمام کرد، توسط یکی از اقوام نزدیک برای کار در رستوران دعوت شد. اما متأسفانه چون هر روز باید با مشتریان جدیدی برخورد می‌کرد و باید برخورد مناسبی را با مشتریان داشته باشد، متأسفانه نتوانست ادامه بدهد. می‌خواهم بگویم که من و حتی خیلی از مهاجرین در کشور خودمان با فرهنگ و آداب و رسوم بزرگ شدیم و زمانی که وارد اجتماع بزرگتری مثل ایران می‌شویم، با موانع و مشکلاتی در برخورد و تعاملات فردی روبه‌رو می‌شویم».

بنابراین مطابق با مطالب بیان شده، برخورد مهاجرین افغان با جامعه اجتماعی کشور ایران و موضوعاتی که آنان در این برخورد با آن روبه‌رو هستند، موجب ایجاد موضوعات فرهنگی گردیده است. بسیاری از نیروهای افغان بخش بسیاری از فرهنگ‌پذیری (بزرگ شدن) خود را در کشور خود گذرانده‌اند، لذا برخی از این چالش‌ها که نتایج آن در جدول بیان گردید، مرتبط با ویژگی‌ها و خصوصیات فردی آنان و برخی نیز برآمده از جامعه کشور ایران است.

موضوعات اقتصادی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

سومین موضوع، موضوعات اقتصادی نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور ایران است. موضوعات اقتصادی یکی از مهترین موضوعات قابل بحث در این پژوهش بوده است. زیرا که دلایل اقتصادی یکی از انگیزه‌های اصلی مهاجرین افغان در کشور ایران است. براساس تحلیل، ۲۶ مفهوم و ۵ تم شناسایی گردید، جدول (۵).

جدول ۵. یافته‌های تحلیل تم برای موضوعات اقتصادی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
۱	تجربه مشکلات اقتصادی نیروهای افغان و اجبار به کار	مشکلات	موضوعات اقتصادی
۲	اولویت داشتن تأمین معاش بر مهارت‌اندوزی یا کسب علم	اقتصادی فردی	
۳	مهیا نبودن شرایط و زمینه‌های کارایی برای نیروهای انسانی افغان	محدودیت‌های کسب شغل	
۴	محدودیت ورود نیروهای افغان به پارک‌های علمی و فناوری در ایران		
۵	محدود بودن شبکه‌های کاری و فعالیتی میان نیروهای انسانی افغان		

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
۶	محدودیت اشتغال نیروهای انسانی افغان در برخی از مشاغل		
۷	موضوع گیری و تبعیض شرکت ها و سازمان ها در استفاده از افغان ها		
۸	محدودیت های داشتن حساب های بانکی و جابه جایی پول و ...		
۹	محدودیت های اجاره کردن مغازه و مکان برای فعالیت های اقتصادی		
۱۰	توهین و تحقیر نیروهای انسانی افغان در فضای مشاغل و کار در ایران	موقعیت های شغلی نامطلوب	
۱۱	سوء استفاده کارفرمایان از نیروهای انسانی افغان در محیط کار		
۱۲	تبعیض در پرداخت حق الزحمه و اضافه کاری برای نیروهای انسانی		
۱۳	ناامنی شغلی و ترس از دست دادن شغل و فعالیت اقتصادی خود		
۱۴	فشارهای سختی کار برای نیروهای افغان		
۱۵	عدم توجه به شایسته سالاری و مهارت های فردی		
۱۶	دستمزد و حق الزحمه پایین برای ساعت های کاری		
۱۷	هزینه ها و قوانین دست و پاگیر در کسب پروانه ایجاد مشاغل	موضوعات حقوقی شغلی	
۱۸	هزینه های بالای ایجاد مشاغل و محدودیت های قانونی در دریافت وام		
۱۹	نداشتن حق مالکیت و تملک اموال منقول و غیر منقول		
۲۰	موانع و محدودیت های تشویقی در معافیت از مالیات و ...		
۲۱	محدودیت های خدمات بانکی برای نیروهای انسانی افغان		
۲۲	ترس زیان های اقتصادی و عدم مجاری قانونی برای شکایت و ...		
۲۳	رشد اقتصادی و ارزش پایین ریال در کشور ایران	ناپایداری شرایط اقتصادی	
۲۴	بی ثباتی اقتصادی و ترس از دست دادن سرمایه های اقتصادی		
۲۵	هزینه های بالای زندگی و تأمین معاش در کشور ایران		
۲۶	عملکرد نامناسب ایران در جذب سرمایه گذاری های خارجی		

نخستین موضوع، مشکلات اقتصادی فردی نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور ایران است. مفاهیم اظهار شده به طور روشن در این موضوع گویای شرایط و مشکلات فردی مهاجرین در کشور ایران است. دسترسی به فرصت های شغلی برای اتباع افغانستانی، یکی از عوامل جاذب

کشور ایران برای حضور آن‌ها است. از اوایل قرن بیست و یکم، رفت و آمد مهاجران افغانستانی بین افغانستان و ایران یک راهکار تأمین معیشتی مؤثر برای آن‌ها بوده است. اما با این حال و در موضوع پژوهش، یکی از موضوعات نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور ایران، محدودیت‌های داشتن شغل است.

در این زمینه براساس ماده ۱۲۰ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، اتباع بیگانه در کشور ایران در صورتی می‌توانند مشغول به کار شوند که دارای روادید ورود یا حق کار مشخص و همچنین دریافت پروانه کار مطابق با قوانین و آئین‌نامه‌ها باشد. مدت زمان صدور پروانه کار، براساس ماده ۱۲۴، یکساله تعیین شده است. در ماده ۱۸۱ این قانون، کارفرمایان موظف هستند اتباع بیگانه‌ای را به کار گیرند که دارای پروانه کار دارای اعتبار باشند و در صورت عدم رعایت به مجازات حبس ۹۱ تا ۱۸۰ روز محکوم خواهند شد. براساس قوانین موجود در کشور ایران اتباع بیگانه تنها در زمینه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی جدول (۶) می‌توانند، فعالیت کنند:

جدول ۶. مشاغل چهارگانه مجاز برای اتباع خارجی (ابلاغیه توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

ردیف	گروه‌های شغلی	رسته فعالیت‌های اقتصادی مجاز به فعالیت توسط اتباع
۱	گروه کوره‌پزخانه‌ها	گچ‌پزی و آهک‌پزی
		گچ‌پز - آهک‌پز - کیسه زن کوره - کوره خالی کن
۲	گروه کارهای ساختمانی	آجرپزی
		کوره چین - فخار - قالب زن - کوره سوز - خشت زن کوره
		امور ساختمانی
		چاه کن - حفار - آسفالت کار - بتون ریز - بسته‌بندی مصالح ساختمانی - تعمیر کوره آجرپزی - کارگر ساده ساختمانی
		بلوک‌زنی و موزائیک‌سازی
۳	گروه کارهای کشاورزی	بتون‌ساز - بلوک‌ساز - پله‌ساز - تیرچه‌ساز - پرسکار موزائیک - موزائیک ساز
		سنگبری و سنگتراشی
		برشکار سنگ - کارگر ساده سنگبری - کارگر سنگبری - کارگر ماشین سنگتراش - صیقل کار سنگ - سنگ کوبی - برشکار کاشی
		راه‌سازی و معدن
		کارگر پل‌ساز - کارگر تعمیر و نگهداری تونل - کارگر آتشبار - کارگر استخراج معدن - کارگر حفار معدن
		کشاورزی
		کارگر بیل‌زن - کارگر زراعت کار - کارگر سمپاش - کارگر علوفه جمع کن - کارگر کشاورزی

ردیف	گروه‌های شغلی	رسته فعالیت‌های اقتصادی مجاز به فعالیت توسط اتباع
		مرغداری و دامداری
		دامپرور و دامدار- کارگر مرغداری- چوپان
		کشتارگاه
		چرم‌سازی
		سلاخ دام و طیور- پوست و پر کن- سیرابی و روده پاک کن- جمع‌آوری ضایعات کشتارگاه
		آهک‌زن- چرم‌ساز- شستشوی پوست (کارگر ماشین کار- کارگر ساده)- سالامبور ساز
۴	سایر گروه‌های شغلی	کارگر امحا زباله- کارگر بازیافت موادشیمیایی- کارگر تخلیه و بارگیری- کارگر کوره ریخته‌گری- حناسایی کمپوت‌سازی- سریشم پزی- تولید کود شیمیایی- تولید غذای دام و طیور(کنستانتره)- کارگر تخلیه و نظافت مخازن فاضلاب- کارگر جوشکار- تعمیرکار کفش- خیاط- کارگر بافنده- کارگر نجاری

همچنان که برمی‌آید، بیشترین مشاغل کارگری برای مهاجرین مشخص شده است. موضوع دیگر، موقعیت‌های شغلی نامطلوب است. در این موضوع، مهاجرین به شرایط شغلی خود در محیط کار، سوء استفاده کارفرمایان از این شرایط، پرداخت نامناسب حق‌الزحمه، ترس از دست دادن شغل، شرایط سخت و غیرقابل تحمل در محیط کار و عدم توجه به مهارت و تخصص نیروهای افغان اشاره می‌کنند. موضوع چهارم، موضوعات حقوقی شغلی برای نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور ایران است. این چالش بیانگر شرایط حقوقی و قانونی در کشور ایران و برای مهاجرین است. مشارکت کنندگان در این چالش به قوانین، محدودیت‌ها و هزینه‌های کشور ایران در ایجاد مشاغل، موانع مالکیتی و ترس زیان‌های اقتصادی و عدم مجاری قانونی برای شکایت و ... را بیان کردند. یکی دیگر از موضوعات بیان شده توسط مشارکت کنندگان؛ نداشتن حق مالکیت و تملک اموال منقول و غیرمنقول برای نیروهای انسانی افغان است. در قوانین کشور ایران، تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع بیگانه جزء امور حاکمیتی است و مشمول حقوق خصوصی قلمداد نمی‌شود. برهمن اساس در ماده ۸ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ بر این موضوع تأکید شده که: «اموال غیرمنقول که اتباع خارجی در ایران تملک کرده یا می‌کنند؛ از هر جهت تابع قوانین در کشور ایران خواهد بود». همچنین در اصل ۹ قانون اساسی عنوان شده که:

«آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به

استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند». این اصل در قوانین کشور ایران بیانگر نوع حساسیت در حفظ خاک سرزمینی در ایران است. در این اصل به روشنی اهمیت تسلط بیگانگان در تملک اراضی نمایان شده است. در واقع براساس قوانین موجود، تملک اموال منقول و غیرمنقول توسط اتباع خارجی تابع قوانین در کشور ایران بوده و امکان تملک توسط نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان به عنوان یک چالش برای آنان وجود دارد. موضوع پایانی و در ارتباط با موضوعات اقتصادی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران مرتبط با شرایط اقتصادی کشور ایران است. کشور ایران در سال‌های اخیر به دلیل برخی از تحریم‌های مالی و اقتصادی توسط برخی از کشورها، با موضوعات اقتصادی بسیاری روبه‌رو شده است. جمعیت جوان این کشور که در دهه‌های نود در سن فعالیت اقتصادی قرار داشتند، اکنون معضل بسیار بزرگی برای آنان است. در این زمینه جمعیت مهاجرین افغان و بسیاری از پناهندگان آن نیز یکی از موضوعات جدی کشور ایران است. تورم، رشد اقتصادی پایین و بی‌ثبات آن، عملکرد و ارزش پایین پولی و نامناسب در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛ مهمترین موضوعات مشارکت‌کنندگان بودند که در موضوع پنجم یعنی ناپایداری شرایط اقتصادی اتفاق نظر دارند.

موضوعات سیاسی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

سؤال چهارم در پژوهش مرتبط با شناسایی موضوعات سیاسی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران بود. برای بررسی این موضوع نیز از یافته‌های مصاحبه و تحلیل تم در سه مرحله استفاده شد. حاصل نتایج این بخش شناسایی ۲۵ مفهوم اولیه، ۴ تم فرعی و یک تم اصلی بود، جدول (۷).

جدول ۷. یافته‌های تحلیل تم برای موضوعات سیاسی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی
۱	محدودیت تردد و اسکان برای نیروهای مهاجرین	سلب آزادی‌های فردی	موضوعات سیاسی
۲	نداشتن حق رأی و اظهارنظر در تصمیمات		
۳	محدودیت‌های تحصیلی در برخی رشته‌های تحصیلی		

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	تم اصلی	
۴	محدودیت و تبعیض در گرفتن گواهینامه (رانندگی، جواز)			
۵	نبود آزادی عمل و استقلال در تصمیمات فردی			
۶	قانونمند نبودن آزادی اقتصادی و کاری نیروهای انسانی افغان			
۷	وجود ملاک‌های آیین‌نامه محور به جای ارزیابی‌های علمی	ضعف نظام قانونی		
۸	اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نامناسب و غیرمنطقی			
۹	بی‌ثباتی سیاسی و نامشخص در قوانین و مدیریت (اسکان، تردد)			
۱۰	نبود برنامه هدفمند و منسجم برای جذب و اشتغال دانشجویان			
۱۱	تعدد سازمانی و نهادی تصمیم‌گیر در زمینه مهاجرین			
۱۲	تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بدون نیازسنجی و شناسایی انتظارات از سوی مهاجرین			
۱۳	سوء مدیریت در ساختار برنامه‌ریزی مدیران در کشور ایران			
۱۴	مقطعی بودن سیاست‌های مهاجرتی و حمایتی از مهاجرین			
۱۵	بسته بودن و غیرقابل انعطاف بودن فضای سیاستی در کشور ایران			
۱۶	حضور گسترده و بدون برنامه نیروهای انسانی افغان			
۱۷	تصمیم‌گیری براساس سلیقه‌های شخصی در زمینه مهاجرین			
۱۸	تعارض میان تصمیمات و عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی و اجرایی			
۱۹	نابسامانی و دو هویتی بودن نیروهای انسانی افغان در کشور ایران			
۲۰	تحریم‌ها و ارتباطات محدود کشور ایران با کشورهای منطقه			ضعف سیاست‌های خارجی
۲۱	تأثیرگذاری روابط خصمانه میان دولت ایران و افغانستان			
۲۲	عدم همکاری مناسب نهادهای آموزشی و سیاستی میان دو کشور			
۲۳	نبود و یا عدم شمول بیمه‌های درمانی و بیکاری برای مهاجرین	موضوعات حمایتی و خدماتی		
۲۴	بهره‌مندی پایین از تسهیلات و حمایت سازمان‌های بین‌المللی			
۲۵	نبود حمایت‌های درمانی و ... در زمان حوادث ناگهانی در ایران			

نخستین موضوع در موضوعات سیاسی، سلب آزادی‌های فردی است. این موضوع بیانگر محدودیت‌های اجتماعی و قانونی نیروهای تحصیل کرده مهاجرین افغان در زمینه تردد، اسکان و به طور کلی در عمل و آزادی استقلال در کشور ایران است. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش به محدودیت‌های تحصیلی و تبعیض در برخی از رشته‌های تحصیلی که مهاجرین در

کشور ایران مجاز به تحصیل هستند، اشاره می‌کند. وی مردی ۳۵ ساله بوده که در کشور ایران قصد ادامه تحصیل در رشته خلبانی را داشته که متأسفانه امکان تحصیل در این رشته برای وی فراهم نشده است. «من تحصیلات کارشناسی را در کشور افغانستان گذراندم. اطلاعی از اینکه در کشور ایران محدودیت‌های برای تحصیل داریم، نداشتم. پس از آنکه به کشور ایران آمدم متأسفانه مطلع شدم که در برخی از رشته‌های تحصیلی که جزو دانش‌های حیاتی مثل مهندسی هوافضا، خلبانی، اتمی و ... برای کشور ایران است، نمی‌توانم تحصیل کنم. چون در ایران بودم و برای ادامه تحصیل در کشور دیگری باید زودتر اقدام می‌کردم به همین خاطر مجبور شدم در رشته دیگری در ایران ادامه تحصیل بدهم». در کشور ایران از سوی سازمان سنجش و آموزش کشور، پس از اطلاعیه برای ثبت‌نام آزمون‌های سراسری، رشته‌های غیرمجاز برای تحصیل و یا ادامه تحصیل اتباع خارجی منتشر می‌شود. در این اطلاعیه علاوه بر انتشار رشته‌های غیرمجاز برخی از محدودیت‌های تحصیلی و اقامتی نیز برای مهاجرین و خانواده‌های آنان ارائه می‌شود. در آخرین اطلاعیه رشته‌های غیرمجاز در جدول (۸) مشخص شده است:

جدول ۸. رشته‌های تحصیلی غیرمجاز برای اتباع خارجی و افغانی

فیزیکی اتمی - مهندسی تعمیر و نگهداری (هلی‌کوپتر و هواپیما) - مخابرات هواپیما - فیزیک هسته‌ای - مهندسی هوافضا - مراقبت پرواز - فیزیک مولوکولی (پلاسما) - مهندسی هوانوردی (خلبانی، ناوبری هواپیما، تعمیر و نگهداری هواپیما، خلبانی هلی‌کوپتر و مراقبت پرواز) - فناوری گرایش مخابرات امن - فیزیک ذرات بنیادی - علوم نظامی - IT اطلاعات - مهندسی پلاسما - الکترونیک هواپیمایی - مهندسی فناوری ماهواره - مهندسی ایمنی (گرایش بازرسی فنی و حفاظت هواپیما) - تعمیر و نگهداری هواپیما - مهندسی کامپیوتر (گرایش رایانش امن)	رشته‌های ممنوع برای اتباع خارجی و افغانی
--	--

در این زمینه حتی برای حضور دانشجویان و تحصیل اتباع افغان و یا خارجی نیز برخی قوانین و محدودیت‌هایی در شهرها و استان‌ها برای تحصیل وجود دارد. همچنین در کنار موضوع تحصیل برخی از دستورالعمل‌هایی نیز برای آنان مشخص شده که می‌بایست مطابق با قوانین آموزشی و تحصیلی در کشور ایران عمل کنند. در این میان البته دو موضوع بسیار قابل اهمیت وجود دارد: نخست اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق با قوانین کشوری در ایران هیچگونه تعهدی برای استخدام آنان ندارد. همچنین کشور ایران به استثنا خانواده و فرزندان فرد اتباع در کشور ایران؛

هیچ گونه تعهدی در خصوص صدور مجوز اقامت برای خانواده داوطلبان ندارد. همه این دستورالعمل‌ها و ... بیانگر آن هستند که نیروهای تحصیل کرده افغان چه آنان که قصد ادامه تحصیل در کشور ایران را داشته و چه آنان که برای تحصیل به کشور ایران می‌آیند با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند که می‌بایست مطابق با آن رفتار نمایند.

موضوع دوم در ارتباط با موضوعات سیاسی، موضوع ناکارآمدی و ضعف در نظام قانونی در کشور ایران و برای مهاجرین و نیروهای تحصیل کرده افغان است. تعداد بالای این چالش‌ها بیانگر مهمترین چالش پیش‌رو برای مهاجرین افغان است. یکی از مهمترین ویژگی‌های بارز مهاجرین افغان در کشور ایران، حضور گسترده و بدون برنامه و گاه‌به‌صورت غیرقانونی است. نتیجه حضور طولانی مهاجرین افغان در کشور ایران موجب ظهور نسل دوم و سوم بوده است. تجربه به دنیا آمدن و بزرگ شدن آنان در ایران، بیشتر مهاجران را وضعیتی دوگانه و مبهم که از یکسو «مهاجران افغانی ایرانی تبار» یا «غیر ایرانی»، آنان را در دوهویت دوگانه قرار داده است. در این زمینه بسیاری از مشارکت‌کنندگان نیز چه آنان که به صورت اقامت دائم در ایران حضور دارند و چه آنان که به عنوان یک دوره تحصیلی موقت در کشور ایران هستند، اظهار می‌کنند که ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه ایران، آن‌ها را به عنوان غریبه و اضافی معرفی می‌کند. لذا این موضوع فرصت‌های بهره‌مندی از آنان را برای کشور ایران از بین می‌برد. به صورتی که یکی از مشارکت‌کنندگان که اکنون به عنوان نماینده دانشجویان افغان بوده و بسیاری از کارهای مرتبط با فراغت و گذرنامه و ... را برای آنان پیگیری می‌کند، اظهار می‌کند که کشور ایران متأسفانه هیچگاه برنامه و سیاست مشخصی در ارتباط با دانشجویان افغان نداشته است. خیلی از نیروهای تحصیل کرده که در کشور ایران و از منابع این کشور استفاده کرده‌اند اکنون در مرحله شکوفایی و بهره‌وری قرار دارند. بیشتر این نیروها در کشور ایران خانواده و اقوام دارند و علاقه‌مند به حضور در این کشور هستند. سیاست ایران در برابر این نیروها در این سال‌ها چگونه بوده است؟ از یک طرف می‌آید از این نیروها استقبال می‌کند و در جوامع بین‌المللی هدف خود را انتشار فرهنگ ملی و زبان فارسی از طریق پذیرش دانشجویان اتباع معرفی می‌کند از یک طرف بدون هیچ برنامه‌ای که سیاستی نیز در آن ندارد، می‌آید محدودیت‌ها و شرایط خاصی را تنظیم می‌کند.

موضوع سوم نیز ضعف سیاست‌های خارجی کشور ایران است. این موضوع همان‌طور که از نتایج برآمده است مرتبط با سیاست‌های خارجی کشور ایران و به خصوص با کشور افغانستان بوده است. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان به خصوص در زمینه تحصیل و آموزش به عدم تأیید مدارک آموزشی خود که مقطع ارشد را در کشور خود گذرانده اشاره می‌کند. به صورتی که وی در کشور خود در مقطع کارشناسی و در آموزش زبان انگلیسی تحصیل کرده است. وی به این موضوع اشاره می‌کند که زمانی که به کشور ایران برای ادامه تحصیل مراجعه کردم متأسفانه برخی از مدارک و دوره‌های گذرانده شده من در دانشگاه پوهنتون کابل را قبول نکردند. این موضوع برای من یک چالش جدی بود. چون آن زمان برای گذراندن و دریافت این مدارک هزینه و وقت زیادی را صرف کرده بود. همچنین موضوع چهارم موضوعات حمایتی و خدماتی است. در این زمینه براساس نتایج پژوهش بسیاری از مشارکت‌کنندگان به عدم و نبود بیمه‌های درمانی و بیکاری، بهره‌مندی پایین از حمایت‌ها و خدمات سازمان‌های بین‌المللی اشاره می‌کنند. تأمین خدمات درمانی و تحت پوشش قرار دادن اتباع خارجی در سیاست‌های کشور ایران به طور روشن مشخص شده است. اما در مقایسه با این شرایط بسیاری از مشارکت‌کنندگان به بهره‌مندی پایین از این تحصیلات و اینکه آنان در برخی از مشاغل خود توسط کارفرما به عنوان نیروی انسانی برای دریافت خدمات معرفی نشده‌اند، اظهار نموده‌اند.

سایر موضوعات نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

این پرسش در پژوهش پیرامون این موضوع قرار داشت تا بتواند موضوعاتی که در هیچ کدام از دسته‌بندی‌های فوق در سؤالات پیشین قرار نداشت را شناسایی کند. در جدول (۹)، این چالش‌ها مشخص شده‌اند:

جدول ۹. یافته‌های تحلیل تم برای موضوعات دیگر نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در ایران

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	چالش
۱	آموزش‌ها و مهارت‌های غیرمرتبط در دوره‌های تحصیلی در کشور ایران	ضعف	موضوعات
۲	غیرمرتبط بودن تحصیلات و تخصص نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان	آموزشی	آموزشی -
۳	نبود مراکز آموزشی و مهارتی برای بهبود و تقویت عملکرد	تخصصی	مهارتی

ردیف	کدهای اولیه (مفاهیم اولیه)	تم فرعی	چالش
۴	محدودیت‌های تحصیلی در برخی از مدارس و دانشگاه‌های ایران		
۵	عدم پژوهش‌های مناسب جهت استفاده از توانایی نیروهای انسانی افغان		
۶	فاصله میان مهارت و تخصص نیروهای افغان با نیازمندی‌های جامعه ایران		
۷	کاربرد نبودن تخصص و مهارت نیروهای افغان در مقایسه با نیاز جامعه		
۸	سطح آگاهی پایین نیروهای انسانی افغان از قوانین حقوقی و کاری		
۹	عدم تأیید مدارک آموزشی، تخصصی و مهارتی نیروهای انسانی افغان		

چالش اصلی که در هیچ کدام از یافته‌های پیشین قرار نداشت، موضوعات نظام آموزشی و مهارتی بود. در این زمینه مشارکت کنندگان به مهارت‌ها و تحصیلات غیرمرتبط و یا به محدودیت‌های تحصیلی در آموزش خود در کشور ایران اشاره نموده‌اند. به طور نمونه یکی از مشارکت کنندگان زنی ۳۰ ساله که مقطع کارشناسی را در کشور افغانستان گذرانده و برای مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد به کشور ایران آمده چنین بیان می‌کند:

«ساختارهای نظام آموزشی و دانشگاهی کشور ایران با کشورمان بسیار متفاوت است. مواد درسی که من در مقطع کارشناسی گذراندم بسیار متفاوت بوده و اکنون که در حال تحصیل هستم برخی از کلاس‌ها را من متوجه نمی‌شوم چون آن درس‌ها را من در مقطع کارشناسی نگذراندم. این موضوع الان برای من تبدیل به یک چالش شده چون دیگر در مقطع ارشد زمان کافی برای یادگیری و گذراندن آن‌ها ندارم چون باید هرچه سریع‌تر شروع به نوشتن پروپوزال و پایان‌نامه نمایم». یا یکی از مشارکت کنندگان که اکنون در رشته تاریخ دانشجوی بوده به غیرمرتبط بودن زمینه تحصیلی وی با نیاز جامعه در ایران اشاره می‌کند: «من در رشته تاریخ تحصیل کردم. به این رشته علاقه داشتم؛ اما متأسفانه الان که در کشور ایران زندگی می‌کنم متوجه می‌شوم که برخی از رشته‌های تحصیلی مرتبط با نیاز جامعه ایران نیستند. شاید این رشته برای کسانی که ایرانی هستند مفید باشد و بتوانند حتی زمینه کاری مرتبطی را نیز با آن پیدا نمایند اما من اکنون در یک حالت سردرگمی قرار دارم چون واقعا نمی‌دانم چه کاری باید انجام بدهم».

نتیجه گیری و پیشنهادها

مهاجرت افغان‌ها به کشور ایران تاریخچه طولانی تری دارد. نسل اول مهاجرین افغان به کشور ایران که از اوایل سال‌های ۱۳۵۰ رخ داد؛ عموماً از سطح تحصیلات پایین تری برخوردار بودند و به دلایل مختلفی از جمله شرایط اقتصادی نامناسب تمایل چندانی حتی به ادامه تحصیل در کشور ایران نداشتند. اما این موضوع در نسل‌ها و مهاجرت‌های بعدی تغییر پیدا کرد. به صورتی که فرزندان مهاجران نسل اول، برخلاف مادران و پدران خود تمایل زیادی به تحصیل و ارتقاء جایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود دارند. این افراد غالباً به دلیل اقامت طولانی مدت خود دارای خانواده و شغل و ... در کشور ایران هستند. علاوه بر این، در سال‌های اخیر خیل عظیمی از مهاجرت‌ها نیز به دلیل تحصیل به کشور ایران صورت گرفته است. این افراد به صورت موقت و به عنوان دانشجوی در کشور ایران اقامت دارند که بسیاری از آن‌ها به دلیل داشتن روایت خروج و ورود پس از پایان تحصیل ناچار به بازگشت به کشور خود هستند. در پژوهش، هر کدام از این گروه‌های مهاجر افغان چه به عنوان افراد تحصیل کرده که در کشور ایران اقامت دارند و چه به عنوان دانشجو که موقت در کشور ایران حضور داشتند، مورد توجه قرار گرفتند. براساس یافته‌های پژوهش نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان پس از زندگی در کشور ایران با دغدغه و موضوعات اجتماعی و فرهنگی: تبعیض و احساس نابرابری، تصویرسازی و ذهنیت‌های منفی، اجتماع‌پذیری فردی و فاصله‌گذاری (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱، زندگی ناوگران و همکاران، ۱۴۰۱؛ سعیدی، ۱۳۹۷؛ Rezaei et al., 2021; Hashemi & Ünli, 2021) و فرهنگ‌پذیری دوگانه (زندگی ناوگران و همکاران، ۱۴۰۱) روبه‌رو بوده‌اند که جایگاه اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار داده است. در این زمینه، مهاجران افغانستانی نیز از منظر زبانی، مذهبی، ویژگی‌های ظاهری و فرهنگی بیشترین میزان قربت با جامعه کشور ایران دارند. اما به نظر می‌رسد علی‌رغم این موضوع، همچنان اجتماع‌پذیری و یک‌رنگ شدن نیروهای افغان با جامعه اجتماعی ایران؛ مسئله اصلی برای آنان بوده است. مطابق با یافته‌های این بخش بیشتر چالش‌ها نتایج رفتارها و خصوصیات اجتماعی جامعه ایران بوده که موجب شده این افراد توسط جامعه ایران پذیرفته نشوند که در این زمینه پیشینه مهاجرین در کشور ایران نیز به این چالش‌ها دامن زده است. این زمینه‌ها در واقع موقعیت‌هایی هستند که از بیرون و توسط عوامل بیرونی و از درون توسط عوامل درونی موجب ایجاد آن‌ها شده‌اند، در نظر گرفت. اما در سوی دیگر، بسیاری از مهاجرین به امید کسب تحصیلات و دستیابی به زندگی مناسب، کشور ایران را به عنوان

مهاجرت انتخاب نموده‌اند. اما شرایط و موضوعات موجودی که پس از مهاجرت آنان در کشور ایران با آن روبه‌رو شدند، متفاوت با تصورات و آرزوهای آنان بوده است. در موضوع یاد شده نیز و براساس تعداد واحدهای معنایی، موضوعات اقتصادی مهمترین موانع پیش‌رو برای نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور ایران بودند. مشکلات اقتصادی فردی، محدودیت‌های کسب شغل (موقعیت‌های شغلی نامطلوب، موضوعات حقوقی شغلی و ناپایداری شرایط اقتصادی در کشور ایران (میرزایی، ۱۳۹۸؛ سعیدی، ۱۳۹۷؛ Stempel & Alemi, 2021)، مهمترین موانع پیش‌روی برای مهاجرین بودند. در این زمینه همان‌طور که عوامل اقتصادی انگیزه اصلی مهاجرت بوده لذا تجربه نشان داده تا زمانی که نابرابری‌های اقتصادی میان مبدأ و مقصد وجود داشته باشد؛ مهاجرت‌ها ادامه خواهد داشت. همچنین سلب آزادی‌های فردی، ضعف نظام قانونی، ضعف سیاست‌های خارجی و موضوعات حمایتی و خدماتی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سعیدی، ۱۳۹۷؛ Zandi-Navgran et al., 2024; Divkolaye & Burkle Jr, 2017; Takbiri et al., 2020) نیز به عنوان موضوعات پیش‌روی مهاجرین و ضعف آموزشی و تخصصی (هودفر، ۱۳۸۶؛ سعیدی، ۱۳۹۷) نیز به عنوان موضوعات آموزشی شناسایی گردید.

اما مطابق با مباحث ارائه شده و زمانی که از مفهوم توسعه سخن به میان می‌آید و لازمه رسیدن به آن را سرمایه و نیروی انسانی در نظر می‌گیریم (براساس مدل مفهومی پژوهش)، لذا توجه به نیروی انسانی به عنوان عامل و هدف اصلی توسعه اهمیت به سزایی دارد. اینکه، نیروهای انسانی تحصیل کرده به عنوان یک منبع ارزشمند برای کشورها شناخته می‌شوند، تردیدی نیست و کماکان که امروزه نیز توجه فزاینده‌ای به این موضوع شده است. اما اینکه نیروهای تحصیل کرده افغان در کشور میزبان دیگری قرار دارند و به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و ... جامعه میزبان، شرایط جامعه‌پذیری و تحرک اجتماعی آن‌ها می‌تواند دستخوش دگرگونی قرار بگیرد. این موضوع از جنبه رشد و توسعه منابع انسانی چه از سوی کشور افغانستان برای استفاده از این منابع و چه برای کشور ایران برای مورد توجه قرار دادن آن‌ها حائز اهمیت است. بنابراین بنابر ضرورت پژوهش‌های کاربردی که لزوماً بر حل مسئله‌ای خاص متمرکز دارند، پژوهش به عنوان بخش نهایی سعی در ارائه پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی و کاربردی برای حل موضوعات یاد شده می‌پردازد.

- پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- ۱- در منابع علمی تلاش‌های علمی اندکی برای بررسی شرایط و جایگاه نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان انجام شده است. لذا در زمینه استفاده مناسب از این نیروها پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی بیشتر به این زمینه‌ها پردازند.
- ۲- عملکرد علمی و تخصصی- مهارتی نیروهای انسانی تحصیل کرده افغان در کشور ایران؛ یکی از موضوعات با اهمیت است که می‌تواند در زمینه اتخاذ تصمیمات مناسب برای آنها بسیار با اهمیت باشد. در پژوهش‌های آتی این موضوع می‌بایست مورد توجه قرار بگیرد.
- ۳- کشور ایران اکنون درگیر بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و ... است. در این زمینه توصیه می‌گردد؛ پژوهش‌های آتی با انجام پژوهش‌های مرتبط به شناسایی و کاهش این چالش‌ها با حضور نیروهای افغان پردازند.

- پیشنهادهای کاربردی

- ۱- در کشور ایران علی‌رغم وجود سازمان‌ها در زمینه مهاجرین، اطلاعات و آمارهای رسمی در ارتباط با آنها به صورت وجود ندارد. همین موضوع موجب برخی ناهماهنگی و اتخاذ قوانین صحیح می‌گردد. ایجاد واحدهای مشخص جهت تهیه و تنظیم چنین آمارهایی ایجاب می‌کند.
- ۲- در هر جامعه‌ای نظام آموزشی یکی از پایه‌های اساسی رشد و توسعه جوامع به شمار می‌رود. این بدان سبب است که نظام آموزشی، متولی تربیت نسل‌های جوان و شهروندان آگاه می‌باشد. با توجه به این موضوع و اینکه اکنون نسل‌های دوم مهاجرین بخشی از آموزش‌های تحصیلی خود را در این کشور گذرانده‌اند و دارای اقامت دائم در کشور ایران هستند. لذا برنامه‌ریزی در تحصیل برخی از رشته‌های تحصیلی و ایجاد مراکز علمی و دانشگاهی برای این مهاجرین؛ بیش از پیش می‌تواند به عدالت اجتماعی در کشور ایران منجر گردد.

۳- با توجه به اینکه این نیروهای تحصیل کرده دارای مهارت و تخصص در زمینه‌های متفاوتی هستند، لذا تسهیل در اشتغال آن‌ها و استفاده از مهارت‌های آنان می‌تواند به عنوان یک سرمایه ارزشمند در کشور ایران باشد.

۴- برخی از مهاجرین بزرگ‌شده کشور افغانستان هستند و بنابر اظهار آنان در پژوهش زمانی که آنان در جامعه ایران حضور پیدا می‌کنند با موضوعات فرهنگ پذیری و فاصله گذاری اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. در این زمینه پیشنهاد می‌گردد که برای مهاجرینی که در طول تحصیل در کشور ایران قرار دارند، این آموزش‌ها برای آنان صورت گیرد.

۵- نیروهای افغان در کشور ایران، تنها در برخی از رشته‌های آموزشی مجاز به تحصیل هستند. در این زمینه دستگاه حکومتی ایران می‌تواند در رشته‌های مجاز برای مهاجرین سرمایه گذاری و موجب توسعه برخی از شرکت‌های دانش بنیان در این زمینه گردد. این موضوع از یکسو زمینه‌های کسب اشتغال برای مهاجرین می‌گردد و از سوی دیگر؛ موجب آورده اقتصادی برای کشور ایران می‌شود.

۶- داشتن تخصص‌ها و مهارت‌های لازم و مطابق با نیازهای کنونی جامعه، یکی از ضروریات انکارناپذیر است. لذا بسیاری از نیروهای افغان به دلیل عدم آگاهی از موضوع نیازهای جامعه و تخصص‌های متناسب به آن، با موضوعات عدم کسب شغل و مهارت روبه‌رو هستند. در این زمینه کشور ایران می‌تواند با اطلاع‌رسانی در رشته‌ها و تخصص‌های مورد نیاز، آگاهی‌های لازم را در این زمینه فراهم کند.

۷- بسیاری از مشارکت کنندگان به عدم تأیید و مدارک تحصیلی خود که بخشی از مقطع تحصیلی خود را در کشور افغانستان گذرانده‌اند، اذعان کردند. توصیه می‌گردد که نظام آموزش عالی در کشور ایران جهت تأیید و هماهنگی با امور آموزش در کشور افغانستان هماهنگی و توافق‌های لازم را انجام دهد.

۸- بسیاری از مشارکت کنندگان به دلیل مشکلات شخصی و علی‌رغم قصد کسب تحصیل، روی به اشتغال برای تأمین شهریه و مخارج تحصیلی روی می‌آورند. این موضوع موجب شکل گیری نیروهای تحصیل کرده فاقد تخصص و از سوی نیز موجب نشان دادن نظام آموزش عالی در کشور ایران شده است. در این زمینه دانشگاه‌ها می‌توانند با ارائه وام‌ها و ... شرایط تحصیلی و رفاهی مناسبی را برای آن‌ها فراهم نمایند.

فهرست منابع

- احمدی، فاطمه؛ شفیعی، نوذر و ابراهیمی، شهبروز. (۱۴۰۱). بررسی چالش‌ها، فرصت‌ها و پیامدهای زندگی مهاجرین افغانستانی در کشورهای غربی. *مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۱(۴): ۸۲-۵۹.
<https://doi.org/10.30479/psiw.2022.17376.3123>
- بادپران، طیب. (۱۴۰۰). *بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه نیروی انسانی دریامحور سواحل مکران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.
- پریوش، نکتم. (۱۳۸۳). *مقایسه رفتارهای باروری مهاجران افغانی با بومیان ساکن در منطقه گلشهر مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.
- حلقه سیمین، ندا. (۱۳۹۴). *شناسایی ظرفیت اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی استان کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
- خبرگزاری تسنیم. (۱۴۰۳). <http://tn.ai/fa/news/1397/01/19/1695422>
- خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ اشرفی، فاطمه؛ همتی منش، اسدالله. (۱۳۹۰). پرخاشگری در دانش‌آموزان افغانی مقیم ایران، *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، ۱(۵۳)، ۵۳-۵۳. <https://www.sid.ir/paper/453485/fa>
- خسروی، رقیه؛ بهادری، راضیه؛ گراوند، فاطمه و احمدی، علی‌یار. (۱۳۹۸). مطالعه عوامل مرتبط با سازگاری دانش‌آموزان افغانستانی ساکن در شهر شیراز. *مجله مطالعات جمعیتی*، ۵(۱): ۱۷۵-۱۴۹.
https://jips.nipr.ac.ir/article_108234.html
- رهدارپور، احترام. (۱۳۹۵). *بررسی تطبیقی اثر نیروی انسانی آموزش دیده در دو سطح عمومی و عالی برای رشد اقتصادی ایران از سال ۱۳۵۵ - ۱۳۹۱*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی. دانشگاه پیام نور، مرکز تهران غرب.
- زندى ناوگران، لیلا؛ عسکری ندوشن، عباس؛ افراسیابی، حسین؛ صادقی، رسول و عباسی شوازی، محمد جلال. (۱۴۰۱). درک مهاجران از فاصله اجتماعی با ایرانیان: پژوهش کیفی در بین مهاجران افغانستانی. *مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۴): ۲۶-۱.
- <https://www.doi.org/10.22108/srspi.2023.135419.1849>
- سعیدی، سعیده و فلاحتی، لیلا. (۱۳۹۹). تحلیل جنسیتی موضوعات دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام آموزش عالی ایران. *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲): ۱۷۶-۱۵۳.
- <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.4.5>
- سعیدی، سعیده. (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی مهاجرت‌های غیرمتعارف زنان؛ مطالعه موردی موضوعات مهاجران افغان ساکن ایران در کشورهای ترانزیت*. فرهنگ رسانه، ۷: ۲۴-۱۱.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.38552322.1397.7.26.1.5>

- سعیدی، سعیده. (۱۳۹۷). نقش مادر در مدیریت فضای خانه، مطالعه موردی: تأثیرات فضای مجازی در افزایش مهاجرت‌های غیرمعارف جوانان، همایش نقش و جایگاه مادری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، اسفند ۱۳۹۷.
- شایسته، منبژه. (۱۳۹۰). ارائه مدلی مفهومی برای توزیع تسهیلات اشتغال زا بر مبنای توسعه فعالیت های اقتصادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.
- شفیعی، ناهید. (۱۳۸۹). *مبانی آموزش بزرگسالان*، اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی.
- صادقی، رسول و عباسی شوازی، محمد جلال. (۱۳۹۵). بازگشت به وطن یا ماندن جوانان افغانستانی در ایران. مجله مطالعات جمعیتی، ۲(۱): ۱۵۰-۱۱۹. https://jips.nipr.ac.ir/article_89573.html
- صفری هاشم آبادی، روح الله. (۱۳۹۱). *تاریخ شفاهی مهاجران افغان در اصفهان (با تکیه بر کارکردهای آموزشی)*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد.
- فخرایی، سیروس و عبدی، مسعود. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستائیان به شهرستان میاندواب در سال ۱۳۸۹. مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۳): ۴۶-۳۳.
- <https://sanad.iau.ir/journal/jss/Article/521093?jid=521093>
- محمدی، یدالله؛ خداوردی، حسن؛ کشیشیان، گارینه و مطلبی، مسعود. (۱۳۹۸). علل و ویژگی‌های مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی. مجله رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳(۴۹): ۸۶-۶۵. https://www.rahyaftjournal.ir/article_105594.html
- محمودیان، حسین. (۱۳۸۴). مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد. مجله نامه انجمن جمعیت‌شناسی، زمستان ۱۳۸۶، ۲(۴): ۶۹-۴۲.
- <https://www.sid.ir/paper/127835/fa>
- معصومی، غلامعلی و ارقامی، ناصر. (۱۳۷۸). *مطالعه شاخص‌های بهداشت باروری در زنان ۲۹-۱۵ ساله افغان و ایرانی ساکن در منطقه گلشهر مشهد*، مرکز بهداشت استان خراسان.
- میرزایی، حسین. (۱۳۹۶ الف). بررسی انسان‌شناختی بهداشت روانی مهاجرین افغانستانی در ایران. مجله پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، ۲(۷): ۲۴۵-۱۸۹. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2016.8100>
- میرزایی، حسین. (۱۳۹۶ ج). بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران. مجله مددکاری اجتماعی، ۴(۱۱): ۸۴-۴۳. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.9650>
- میرزایی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی انسان‌شناختی روزمرگی راهبردهای اقتصادی افغانستانی. مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، ۱(۲): ۱۷۳-۱۳۷. <https://doi.org/10.30465/acas.2019.2886>
- میرزائی، حسین. (۱۳۸۶). بررسی سبک زندگی مهاجران افغانستانی ساکن در شهر قائم قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- میرزائی، حسین. (۱۳۹۲). انسان‌شناسی قومی-زبانی مهاجران هزاره در ایران. مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۶(۲): ۱۴۴-۱۲۳. https://ijar.ut.ac.ir/article_50848.html

- میرزائی، حسین. (۱۳۹۳). هویت زبانی مهاجران افغانستانی در ایران. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره. میرزائی، حسین. (۱۳۹۶ ب). بررسی انسان‌شناختی روزمرگی راهبردهای اقتصادی مهاجران افغانستانی. مجله علمی- پژوهشی مطالعات فرهنگ و هنر آسیا، ۱(۲): ۳۳۴-۲۹۷. <https://doi.org/10.30465/acas.2019.2886>
- نصر اصفهانی، آرش؛ حسینی، سید حسن. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سیاست‌های تحصیل اتباع افغانستانی در ایران (مورد مطالعه: شهر تهران). مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵(۲۰): ۸۳-۵۵. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517081.1395.5.3.2>
- نودفر، هما. (۱۳۸۶). تلاش جوانان پناهنده افغانی در ایران برای امتناع از حاشیه‌ای بودن. مجله فرهنگی و اجتماعی گفتگو، ۵۰: ۶۰-۲۳.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran. *International Migration*, 53(6), 89-110. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/imig.12148>
- Ahmadi, F., Shafiei, N., & Ebrahimi, Sh. (2022). Examining the challenges, opportunities and consequences of the life of Afghan immigrants in Western countries. *Journal of Political Studies of the Islamic World*, 11(4): 59-82. [In Persian]. <https://doi.org/10.30479/psiw.2022.17376.3123>
- Alemi, Q., & Stempel, C. (2018). Discrimination and distress among Afghan refugees in northern California: The moderating role of pre-and post-migration factors. *PloS One*, 13(5), e0196822.
- Arbona, C., Olvera, N., Rodriguez, N., Hagan, J., Linares, A., & Wiesner, M. (2010). Acculturative stress among documented and undocumented Latino immigrants in the United States. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 32(3), 362-384.
- Badparan, T. (2021). Investigating and identifying factors affecting the development of sea-oriented manpower in Makran coast. Master's thesis, Faculty of Management and Human Sciences, Chabahar University of Maritime and Marine Sciences. [In Persian].
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Connor, P. (2010). Explaining the refugee gap: Economic outcomes of refugees versus other immigrants. *Journal of Refugee Studies*, 23(3), 377-397.
- De Haas, H., Castles, S., & Miller, M. J. (2019). *The age of migration: International population movements in the modern world*. Bloomsbury Publishing.
- Decanzo, D. A., & Robbins, S. P. (1999). *Human Resource Management*.
- Divkolaye, N. S. H., & Burkle Jr, F. M. (2017). The enduring health challenges of Afghan immigrants and refugees in Iran: a systematic review. *PLoS Currents*, 9, ecurrents-dis. <https://doi.org/doi: 10.1371/currents.dis.449b4c549951e359363a90a7f4cf8fc4>
- Fakhraei, S., & Abdi, Massoud. (2012). Investigating the factors affecting the migration of villagers to Miandawab city in 2018. *Sociological Studies*, 4(13): 46-33. [In Persian]. <https://sanad.iau.ir/journal/jss/Article/521093?jid=521093>
- Gladwell, C. (2021). The impact of educational achievement on the integration and wellbeing of Afghan refugee youth in the UK. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 47(21), 4914-4936. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/1369183X.2020.1724424>
- Guarnaccia, P. J., & Lopez, S. (1998). The mental health and adjustment of immigrant and refugee children. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics*, 7(3), 537-553.
- Halgheh Simin, N. (2016). Identifying the employment generation capacity of the economic sectors of Kermanshah province. Master's thesis, Ilam University, Ilam, Iran. [In Persian].

- Hashemi, S. R., & Ünlü, M. (2021). An Analysis of Opportunities and Challenges towards the Afghan Immigrants in Turkey. *International Journal of Geography and Geography Education*, 43, 159–172. <https://doi.org/https://doi.org/10.32003/igge.818341>
- Helavalada, W., & Julius, T. N. (2017). Significance of manpower planning for effective utilization of human resources in an organization: A conceptual approach. *International Journal of Business and Management Invention*, 6(8), 12–16.
- Hoodfer, H. (2008). The efforts of young Afghan refugees in Iran to refuse to be marginalized. *Cultural and Social Journal of Dialogue*, 50: 23-60. [In Persian].
- ICRC. (2009). Our World: Views from the Field, Afghanistan Opinion Survey and Indepth Research. <https://www.icrc.org/eng/assets/files/2011/afghanistanopinion-survey-2009.pdf>
- Khodabakhshi Kolayi, A., Ashrafi, F., & Hemti Manesh, A. (2012). Aggression in Afghan students living in Iran. *Zahedan Medical Sciences Research Journal*, 1(53), 53. [In Persian].
- Khosravi, R., Bahadri, R., Gravand, F., & Ahmadi, A. (2020). Studying the factors related to the adaptation of Afghan students living in Shiraz city. *Journal of Population Studies*, 5(1): 149-175. [In Persian]. https://jips.nipr.ac.ir/article_108234.html
- Leidy, M. S., Guerra, N. G., & Toro, R. I. (2010). Positive parenting, family cohesion, and child social competence among immigrant Latino families. *Journal of Family Psychology*, 24(3), 252.
- Mahmoudian, H. (2006). Migration of Afghans to Iran: change in socio-economic and demographic characteristics and adaptation to the destination society. *Journal of Demographic Society*, Winter 2016, 2(4): 42-69. [In Persian].
- Masoumi, Gh., & Arghamei, N. (2000). Study of reproductive health indicators in Afghan and Iranian women aged 15-29 living in Golshahr area of Mashhad, health center of Khorasan province. [In Persian].
- Masudi, J. A., & Mustafa, N. (2022). THE LEGAL STATUS OF AFGHAN REFUGEES IN PAKISTAN. *Pakistan Journal of International Affairs*, 5.(۲)
- Mirzaei, H. (2012). Ethno-linguistic anthropology of Hazara immigrants in Iran. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 3(6), 123-144. [In Persian]. https://ijar.ut.ac.ir/article_50848.html
- Mirzaei, H. (2013). Les immigrés Afghans en Iran: une étude anthropologique. Aix-Marseille.
- Mirzaei, H. (2013). Linguistic identity of Afghan immigrants in Iran, *Iranian Journal of Social Studies*, 8. [In Persian].
- Mirzaei, H. (2016 a). Anthropological study of mental health of Afghan immigrants in Iran. *Journal of Social Work Research*, 2(7): 189-245. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2016.8100>
- Mirzaei, H. (2016 b). An anthropological investigation of everyday economic strategies of Afghan immigrants. *Scientific-Research Journal of Asian Culture and Art Studies*, 1(2): 297-334. [In Persian]. <https://doi.org/10.30465/acas.2019.2886>
- Mirzaei, H. (2016). Examining the educational adaptation of Afghan immigrants in Iran. *Journal of Social Work*, 4(11): 43-84. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.9650>
- Mirzaei, H. (2018). Everyday anthropological investigation of Afghan economic strategies. *Asian Art and Culture Studies*, 1(2): 137-173. [In Persian]. <https://doi.org/10.30465/acas.2019.2886>
- Mirzai, H. (2008). Investigating the lifestyle of Afghan immigrants living in the city of Qaim Qom. Master's thesis in anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. [In Persian].
- Mogiani, M., Qaisrani, A., & Reis, J. (2024). Navigating Uncertainty: Challenges, Aspirations, and Perspectives of Potential Afghan Migrants in Pakistan.

- Mohammadi, Y., Khadvardi, H., Chashisian, G., & Matlabi, M. (2020). The causes and characteristics of the migration of Afghan nationals to Iran and its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran after the Islamic Revolution. *Islamic Revolution Approach Journal*, 13(49): 65-86. [In Persian]. https://www.rahyaftjournal.ir/article_105594.html
- Monsutti, A. (2004). *Guerres et migrations. Réseaux sociaux et stratégies économiques des Hazaras d'Afghanistan*. Les Editions de la MSH.
- Nasr Isfahani, A., Hosseini, S. H. (2017). Investigating the effect of education policies of Afghan nationals in Iran (case study: Tehran). *Journal of Social and Cultural Strategy*, 5(20): 55-83. [In Persian]. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517081.1395.5.3.3.2>
- Omolewa, M. (2010). *Human Security in the African Context: The Education Imperative*. Human Security in Africa: Perspectives on Education, Health and Agriculture. Abeokuta: OOPL-CHS.
- Onah, R. C. (2000). *Assessing the manpower planning environment in Nigeria*. Strategic Manpower Planning and Development.: Fulladu Publishing Company.
- Paryoosh, N. (2005). *Comparison of fertility behaviors of Afghan immigrants with natives living in Golshahr area of Mashhad*. Master's thesis, Department of Demography, University of Tehran. [In Persian].
- Pendakur, R. (2021). Settlement and labour force outcomes for Afghan immigrants and their children in Canada. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 47(21), 4893–4913. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/1369183X.2020.1724423>
- Pew Research Center. (2017). *U.S. Muslims Concerned About Their Place in Society, but Continue to Believe in the American Dream*. <https://www.pewforum.org/wp-content/uploads/sites/7/2017/07/U.S.-MUSLIMS-FULL-REPORT-with-population-update-v2.pdf>
- Pouya, J. (2022). The Challenges of Afghan Migrants in Türkiye. *Sosyal ve Kültürel Araştırmalar Dergisi (SKAD)*, 8(17), 275–295.
- Qaisrani, A., Hahn-Schaur, K., & Hendow, M. (2021). Irregular migration dynamics from Pakistan and the role of information campaigns.
- Rahdarpur, A. (2017). *A comparative study of the effect of trained manpower at both general and higher levels for Iran's economic growth from 1355 to 1391*. Master's thesis in the field of economic sciences. Payam Noor University, West Tehran Center. [In Persian].
- Rezaei, O., Adibi, H., & Banham, V. (2021). Integration experiences of former Afghan refugees in Australia: what challenges still remain after becoming citizens? *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(19), 10559. <https://doi.org/https://doi.org/10.3390/ijerph181910559>
- Sadeghi, R., & Abbasishawazi, M. J. (2015). Return home or stay Afghan youth in Iran. *Journal of Population Studies*, 2(1): 119-150. [In Persian]. https://jips.nipr.ac.ir/article_89573.html
- Saeedi, S., & Falahati, L. (2019). Gender analysis of Afghan students' challenges in entering Iran's higher education system. *Iranian Journal of Social Issues*, 11(2): 153-176. [In Persian]. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.4.5>
- Safari Hashem Abadi, R. (2011). *Oral history of Afghan immigrants in Isfahan (based on educational functions)*. Master's thesis, Faculty of Literature and Humanities, Yazd University. [In Persian].
- Saidi, S. (2017). Pathology of women's unconventional migrations; A case study of the challenges of Afghan immigrants living in Iran in transit countries. *Media Culture*, 7: 11-24. [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.38552322.1397.7.26.1.5>
- Saidi, S. (2017). The role of the mother in the management of the home space, a case study: the effects of cyberspace in increasing the non-conventional migration of young people,

- conference on the role and position of the mother, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, March 2017. [In Persian].
- Semako, G. E. (2019). The role of tertiary education in manpower development in Nigeria. *Global Academic Journal of Linguistics and Literature*, 1(1), 17–19. <https://doi.org/DOI:10.36346.GAJLL.V01I01.005>
- Shafi'i, N. (2011). *Basics of Adult Education*, Islamshahr, Islamic Azad University. [In Persian].
- SHaiesteh, M. (2012). Providing a conceptual model for the distribution of job-creating facilities based on the development of economic activities. Master's thesis, Payam Noor University, Tehran, Iran. [In Persian].
- Stempel, C., & Alemi, Q. (2021). Challenges to the economic integration of Afghan refugees in the US. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 47(21), 4872–4892. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/1369183X.2020.1724420>
- Takbiri, A., Takian, A., Rahimi Foroushani, A., & Jaafari-poooyan, E. (2020). The challenges of providing primary health care to Afghan immigrants in Tehran: a key global human right issue. *International Journal of Human Rights in Healthcare*, 13(3), 259–273. <https://doi.org/https://doi.org/10.1108/IJHRH-06-2019-0042>
- Tasnim News Agency. (2023). [In Persian]. <http://tn.ai/fa/news/1397/01/19/1695422>
- Trusty, J., & Niles, S. G. (2004). Realized potential or lost talent: High school variables and bachelor's degree completion. *The Career Development Quarterly*, 53(1), 2–15.
- Walker, J. (1992). *Human Resource Strategy*. McGraw Hill Publishers.
- Zandi Navgaran, L., Askari Nadushan, A., Afrasiabi, H., Sadeghi, R., & Abbasi Shawazi, M. J. (2022). Immigrants' perception of social distance with Iranians: a qualitative research among Afghan immigrants. *Iranian Journal of Strategic Research on Social Issues*, 11(4): 1-26. [In Persian]. <https://www.doi.org/10.22108/srsp.2023.135419.1849>
- Zandi-Navgran, L., Sadeghi, R., Afrasiabi, H., & Askari-Nodoushan, A. (2024). Afghan immigrants' perceptions of integration policies in Iran. *International Migration*. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/imig.13290>

